

# درباره نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران

اسلامی و مؤلفین نزدیک آن است. رای آشکارا متعلقان مؤلفین، مجلس راه توده و نظامی و مجلس یک دست است. حزب جمهوری اسلامی و مؤلفین آن با انتخاباتی که اجسام داده اند و اکثریتی که در مجلس دست آورده اند، مسئولیت سنگینی در برابر مردم و در برابر تاریخ ایران بر عهده گرفته اند. آنها با این اکثریت میتوانند بر نامه خود پایبند کنند و تصوری را که از اهداف و مقاصد انقلاب دارند، در مجلس به مردم نشان دهند. متأسفانه این بر نامه تاکنون به مردم ارائه نشده است. اکثریت نامیدگانی که به مجلس رفته اند جز دفاع کلی از اسلام درباره هیچیک از مسائل اساسی انقلاب ایران، نظر روشن خود را نگفته اند. «اتلاف بزرگ»، که در آخرین لفظات آغاز زاری گری تشکیک شده، بر نامه ای نباشد و خبر مایه اصلی آن مقابله با نامزدهای سایر سازمان های اسلامی بود. نمایندگان منتخب، با آن که بطور عمدتاً از این اقلیت برخاسته اند، در مجلس اسلامی هستند، معلوم نیست که در کدام مناسبت سیاسی انقلاب نظر مشخص کرده اند. مجلس با این کمبودها اکثریت مطلق منجمی دارد، در واقع طیفی است از صاحبان نظریات گوناگون و نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف اجتماعی.

انتخابات نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران به طور عمدتاً به پایان رسیده، در مرحله اول و دوم آن جمعاً ۲۲۲ نماینده به مجلس راه یافتند. انتخابات ۲۸ نماینده از ۲ حوزه، به دلایل گوناگون، انجام نگرفت، متوقف ماند یا باطل شد. به این ترتیب مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران میتواند در آینده نزدیک، ۲۲۲ نماینده از ۲۷ کرسی، کار خود را آغاز کند.

موافق قانون اساسی، مجلس شورای ملی در حالت عادی وظایف سنگین و مهمی به عهده دارد. اما به ویژه نخستین مجلس شورای ملی دارای چنان وظایفی است که آن را از هر دوره دیگری متمایز می کند. این مجلس موظف است دوران انتقال قدرت حاکم را به پایان برساند و اصول مهم قانون اساسی را بر مبنای نیاز تکمیل جامعه و خواست توده مردم انقلاب، به صورت قوانین قابل اجرا، مدون کند، و دولتی که قادر به اجرای این قوانین باشد، بر سر کار آورد و ترتیب تدوین متمم قانون اساسی را بدهد. اگر در شانزده ماهی که از سرگونی رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم و استقرار حکومت انقلابی می گذرد، نهادهای انقلابی به وظایف خود عمل می کردند، کار نخستین مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران بسیار سبک تر و ولی متأسفانه چنین نشد. با وجود گامهای بزرگی که انقلاب، علی رغم همه دشواریها و موانع و خرابکاریهای ضد انقلاب در این دوران برداشته، آن تحول بنیادی که می بایست در همه عرصه های زندگی جامعه ایران به سود توده های ستمکش مردم انجام گیرد، انجام نگرفت، تخریب تمام و کمال نظام کهنه با مقاومت مسافران سازشکار و پور و شد و انقلاب در نیمه راه ماند. دولت موقت چندین ماه وقت گرانمای انقلاب را به تملک گذراند و از قطع وابستگی های ایران به امپریالیسم جلوگیری کرد و کارهای اساسی که هر کس خود چوین خلقی، در عمل دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اوج نازدهای خود گرفت و ولایت جاسوسی آمریکا توسط آنان اشغال شد و جاسوسان آمریکایی تسویه گردیدند.

چرا «کار» حقایق تاریخی را درباره حزب توده ایران تحریف میکنند؟ «منبع الهام» سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درباره تاریخ حزب توده ایران متأسفانه تبلیغات سرسام آور امپریالیسم و ارتجاع بوده و هنوز هم هست صفحات ۳ و ۶



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۲۲ - شنبه ۳ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۵ ریال

۶ هزار تا ۲۰ هزار به مجلس راه یافته اند. این سرنوشتی دموکراسی دلالی دارد، اما علت عمدتاً آن سیاسی است. تیرد روپوشه جناح های گوناگون در دوران نهادهای انقلابی، روشن نبودن هدفها و برنامه های انقلاب، تلاش مداوم مسافران مینوی برای جلب نظر مردم از طریق شمارهای کلی و بی معنوی، سررود تعداد بیشتری از مردم را دلسرد میکنند.

مردم نشان داده اند که نیروی عظیم انقلابی دارند و از تداوم انقلاب خسته نمی شوند. آنها از مبارزه ضد امپریالیسم، که پس از اشغال ولایت جاسوسی اوج گرفت، با دست میلیونی و با شور و شوق روزهای پهن ۵۷ استقبال کردند. لذا سرنوشتی آزاد انتخابات را نباید به خستگی مردم از تداوم انقلاب تمسیر کرد. بلکه، چنان که گفتیم، باید آن را محصول بی برنامه گسی نهادهای انقلاب و گسسی و ناروشنی شمارها و تفسیرهای رنگارنگ از آن ها و عملکرد ناقص شانزه ماه دانست.

در انتخابات مجلس شورای ملی، پس از حدود نازل تعداد کل کرسی که کنندگان، آراء سازمان های انقلابی قاطع و باشمارهای روشن افزایش یافت. نامزدهای مبارزین خلقی در تعداد زیادی از حوزه های رای گیری به مرحله دوم راه یافتند، و اگر انتخابات بطور طبیعی و در همان مرحله اول پایان یافته بود، به مجلس میرفتند.

فقط سیاست ضد امپریالیستی فعال در نفت، بسود انقلاب است (۳)

در مرحله دوم، در بسیاری مواقع کسانی که انتخاب شدند که در مرحله اول موجود تأیید مردم قرار گرفته بودند. نتیجه انتخابات ثابت کرد که هدف واقعی مبارزان دو مرحله ای کردن انتخابات، پیش بردن سیاست انحصار طلبانه و جلوگیری از انکسار رای و نظر واقعی مردم متناسب واقعی قوای سیاسی در مجلس بوده و نه هیچ چیز دیگر. نادرستی تمام شبه استدلالاتی آنان در عمل اثبات شد. در مرحله دوم، عده ای از نامزدها با تعداد آرایسی کمتر از آن چه در مرحله اول داشتند، به مجلس رفتند.

حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورای ملی فعالیتش شرکت کرد و در بیش از ۸۰ حوزه انتخابی نامزد مستقل خود را معرفی نمود و در بسیاری حوزه ها از نامزدهای انقلابی و مردمی، در چارچوب مشی اصولی خود برای تشکیل جبهه متحد خلق، حمایت کرد.

اینک سر سازمان دادن به این کار در این جانب رهبران انقلاب، امام خمینی، به عهده مجلس شورای ملی گذاشته شده است. بنا بر این، نخستین مجلس شورای ملی وظایف ویژه ای دارد که به مراتب از وظایف عادی روزمره آن فراتر می رود. این مجلس باید انقلاب نیمه تمام ایران را در مسوافت آزادهای نیازها و خواست های توده مردم و تکامل جامعه به پایان رساند و راه بازگشت را بر سر خط امپریالیسم و استبداد بپنسد.

در شبکه مخفی، توطئه ضد انقلاب را فاش میکند

حل مسائل نفت ایران در پرتو ضرورت های انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی بدون کمترین شبهه ای باید توجه داشته باشیم که تثبیت پیروزی های انقلاب و بازگشت نا پذیر ساختن مواضعی که در مبارزه علیه امپریالیسم رژیم دست نشانده بدست آورده ایم، اتخاذ اجرای سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت از انقلاب طلب میکند. تسلیم به اخلاص گریهای دول امپریالیستی، که قصد دارند با تحمیل سیاست انفجالی در نفت، منابع نفت ما را از ضلالت بازدارند، از فروش نفت ایران در بازار جهانی جلوگیری بعمل آورند و با طعنان تحریف نفت، انقلاب ایران بقیه در صفحه ۲

بدون تردید نخستین مجلس شورای ملی با این ترکیب، در انجام وظایف انقلابی خود با دشواری های بزرگی روبرو خواهد شد. دینوران صدیق خط امام، که به هر صورت وزنه سنگینی هستند، وظیفه بسیار دشواری خواهند داشت. مسلم این است که توده اصلی مردم خواستار تداوم انقلاب و پشتیبان کسانی است که در این راه گام بردارند. به آنکه مردم می توان مقاومت را شکست و انقلاب را به پیش برد.

با توجه به این که حزب ما بیش از سی سال مجبور به کار در شرایط مخفی بوده، از جانب حال امپریالیسم و ارتجاع زیر شدیدترین فشارها قرار داشته، جو مسموم تهمت و افترا و دروغ پیرامون آن بوجود آمده و حتی امروز نیز به شدت به آن دام زده می شود، استقبال مردم از نامزدهای حزب توده ایران قابل ملاحظه است. نسبت به انتخابات مجلس خیرگان، آراء حزب توده ایران به طور چشم گیری افزایش یافت. آراء و نظریات نورالدین کهانوی در کمیته اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، از ۳۷ هزار به ۵۸ هزار رسید. این افزایش نشانه شایسته پیش آهنگی توده های مردم نسبت به مشی سادگانه انقلابی و خلقی حزب ما است و در عین حال غلبه تدریجی حزب بر دشواری های عظیمی است که در پیش داشته بودارد.

نخستین نماینده مجلس خیرگان از تهران بیش از دو میلیون رای داشت و نخستین نماینده مجلس شورای ملی از تهران به زحمت از ۱۰۵ میلیون گنشت. اکثریت قابل ملاحظه ای از نمایندگان مجلس از شهرستان ها با آرائی حدود در حدود ۱۳۰ نفر از نامزدهای حزب جمهوری

روز جمعه طی راه پیمایی با شکوهی مردم ایران همبستگی کامل خود را با قیام کنندگان سیاهپوست آمریکایی اعلام کردند

گرانی طاقت شکن و زندگی دشوار زحمتکشان

## برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

# گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

توسط دادگاه انقلاب تبریز:

## مهاجم آزاد و مجروح بازداشت شد!

### برای شهیدان خوب و جنبش

نامهمردم در نظر دارد عکسهای تمام افرادی را که در دوران سلطنت ننگین و مغرور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و دینی و انسانی خود پنجاهت سینه اند، جمع آوری کند. از همین دوستان و آزادان، خواهان تقاضا می شود که هر کسی از این مبارزان شهید دارنده، به دفتر نامه مردم، مراجعه کند. پاسپاس - نامه مردم

عناصر باجوب و چماق به رفقای ما حمله و آن ها را مجروح کردند. به دنبال این حمله، دو هوادار مجروح شدند. پس از این شاکت، پرسوندهای تشکیل و یکی از مهاجمین پندارگاه احضار شد. در این بین مهاجمین شکر بیکار نشدند و به کمک سایر عوامل ضد انقلاب تبریز، پندارگاه را محاصره کردند. با کمال تأسف دادگاه

عوامل ضد انقلاب در تبریز چندی است که با نفع مختلف مزاحم فعالیت هواداران حزب توده ایران در این شهر می شوند. در ارتباط با همین مزاحمتها، اخیراً دو نفر از هواداران حزب توده ایران، که مشغول چسباندن پوست و ریختن اعلامیه های حزبی بودند، در حوالی چهارراه منصور تبریز مورد تهاجم چند عنصر معلوم الحال قرار گرفتند. این

## فقط سیاست ضد امپریالیستی...

بقیه از صفحه ۱  
راخته سازند، تحت حمایت و در لافه های استبدالی صورت گیرد، بزبان انقلاب ماست. پذیرش چنین سیاستی، خطرناکترین عواقب را برای انقلاب ایران در بر دارد.  
مسئله در این نیست که مادر صورت اجبار واضطرار، مثلاً در صورتیکه بر اثر تهاجم نظامی، فعالیت صنعت نفت مانع متوقف گردد، قادر به ادامه حیات نیستیم. چنین نیست اگر دول امپریالیستی چنین پندارخانی در سر می بردند اشتباه می کنند. ما قادریم بدون صنایع نفت، وضع اضطراری حاصل از آن را از سر بگذرانیم.  
لیکن حرف بر سر آنست که آیا ما ایجاد داریم به سیاست امپریالیستی را که ساختن صنایع نفت و استخراج آن را از بازار جهانی، چنانکه دول امپریالیستی و در رأس آنها آمریکا خواهند تسلیم شویم؟ آیا مجبور هستیم انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی خود را از بهره گیری از قبیل صنعتی که می تواند ضمانت تبهیت نیروهای انقلاب باشد، محروم نگاه داریم؟

پاسخ این سوالات منفی است. ما به هیچ وجه به اتخاذ سیاست انفجالی و در پیش گرفتن شیوه ای که به واقعا بدون نفت، بی نتیجه، در شرایط پس از پیروزی انقلاب و تناسب موجود نیروها و روابط در جهان انبساطی ما، بکس ماموریت و قادی، علیرغم توسعه امپریالیسم جهانی، بس کردگی امپریالیسم آمریکا، با سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت، صنایع نفت خود را در شرایط محاصره اقتصادی و تهدید تهاجم نظامی بصورت صنایع متحرک، پویا و در ارتباط با بازار جهانی فروش نفت، بتوانیم. ما هر چه می برای تحکیم مواضع انقلاب مورد استفاده قرار دهیم. ما می توانیم و باید با استفاده از شرایط پیروزی انقلاب، که به تسلط امپریالیسم و رژیم دست نشانده آن بر صنایع نفت خود پایان داده ایم، صنایع نفت خود را بصورت صنایع واقعا ملی اداره کنیم، تقاضای جدی آن را در همه زمینه ها هر چه زودتر مرتفع سازیم و با حفظ موقعیت این صنعت در اقتصاد داخلی و بازار جهانی، آن را به حلقه اساسی پیشرفت سریع اقتصاد ملی بسودن به هدهدهای انقلاب بسازیم.

دول امپریالیستی می خواهند با تسلط بر صنایع نفت، صنایع نفت ما را از کار بپندارند و انقلاب ما را خفه سازند. ما می توانیم با سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت، این توطئه را خنثی سازیم، صنایع نفت خود را پویا و متحرک نگاه داریم و استفاده از آنها را بخندمت انقلاب بکاریم.

نفت در دوران تسلط امپریالیسم در رژیم دست نشانده «پهلای سپاه ایران» بود. نفت در شرایط پیروزی پس از انقلاب، باید به «پهلای پشوتانه انقلاب» به معنی واقعی کلمه بدل شود.  
امپریالیستها از تسلط نفت برای اسارت کشور و مردم ما استفاده می کردند. ما از اسلحه نفت باید برای نجات کشور خود از اسارت اقتصادی و سیاسی و نیل به پیشرفت سریع اقتصادی استفاده کنیم. سیاست انفجالی در نفت ما را به این هدیه نمی رساند. ما تنها با اتخاذ سیاست فعال ضد امپریالیستی قادر به تحقق این هدیه هستیم.

در ارتباط با آنچه گفته شد، بنظر میرسد وقت آن رسیده است که به ارزیابی سیاست نفتی دولت وادگانهای انقلاب در دوران پس از پیروزی انقلاب بپردازیم.  
با تأسیف فراوان باید گفت که در مدت ۱۵ ماه پس از انقلاب، با اتخاذ سیاست انفجالی در نفت، ما بیست و نهمین راننده هدهدهای که دول امپریالیستی و انصارات نفتی طالب و آرزومند آن هستند.

باید بصراحت خاطر نشان کنیم که با اینکه ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب میگذرد، هنوز برای تغییرات لازم در وضع صنعت نفت، متناسب با هدهدهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب، به تصمیم گیری اساسی نپرداخته ایم. کار صنعت نفت مان، صنعتی که محتاج برنامه ریزی های دراز مدت استراتژیک است، نه به روز ماه و سال، بلکه به روز هفته و روز ادامه میشود.

در شرایط حاضر، صنایع نفت و گاز وابسته به آن، مانند صنایع پتروشیمی، عملاً بحالت رکود در آمده است. اجرای پروژه های صنعت نفت و گاز و صنایع وابسته و جنبی این صنعت در همه زمینه ها متوقف و یا به حال نیمه تعطیل در آمده اند. از اجرای بسیاری از پروژه های دارای اهمیت استراتژیک برای آینده صنعت نفت، یا سرنگون کرده و حتی پروژه های در دست اجرا در این زمینه را بحالت تعلیق رها کرده ایم. هزاران مهندس، تکنیسین و کارگر و رزیمه و آرزومند صنعت نفت ایران در تسلط کشور عاقل و باطل مانده اند. حال آنکه کار خلقی اینها می تواند در همین دوران کوتاه پس از انقلاب، گفته از تغییر جهت صنایع نفت ایران از حالت وابستگی به حالت استقلال، این صنایع را به بخش واقعی متحرک و پویای مجموعه اقتصاد ملی ایران بدل سازد.

همه این ناامانیا و ددها و صدها مورد دیگر، که ما فرست بر شمرده آن ها را نداریم، حکایت از تسلیم به سیاستی دارد، که دول امپریالیستی برای درهم چیدن صنایع نفت ما در نظر گرفته اند.

ما در مدت بیش از یکسال پس از پیروزی انقلاب قادر بودیم که تجدید سازماندهی صنعت نفت خود را در جهت بازسازی این صنعت عظیم، متناسب با هدهدهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب سر ما از قوه به فعل در آوریم. ما می توانیم در مدت یکسال از این انقلاب میگذرد، بسیاری از صنایع نفت و صنایع نفت ایران را، که از تسلط رژیم های دست نشانده و هدهدهای فاسدگرای امپریالیسم در ۷ سال گذشته ناشی شده و به انقلاب به ارت رسیده، بر طرف سازیم. متأسفانه نه فقط به این هدیه نائل نشده ایم، بلکه اداره صنایع عظیم راه که نقش درجه اول در همه حیات اقتصادی - اجتماعی کشور ما دارد، چشم پراه تصمیمات دول امپریالیستی نگاه داشته ایم.

لغو امتیاز فاسدگرایانه اعضاء کنسرسیوم در خرید انحصاری نفت ایران بصورت نفت خام باید روز پس از انقلاب به جهان اعلام میشد. اعلام ترفی از نفت ایران در بازار بین المللی، پسندون هیچگونه امتیاز و تبهیت بین خریداران، از تصمیمات اولیه ای بود که باید به اجرا گذاشته میشد. این تصمیمات و ددها و صدها نظیر آن تا همین امروز گرفته شده، و اگر گرفته شده، رسمیت پیدا کرده است.

تا اواسط آبان، که آمریکا خرید نفت ایران را تحریم کرد نفت ایران بلا مانع تسلیم انصارات نفتی کنسرسیوم می شد. اکنون نیز انصارات نفتی در بازار حلق، بر پیش پتروپوم و فرانسوی و پتروپول طبق سهام خود در کنسرسیوم، نفت ایران را در اختیار میگیرند.

اجرای طرحهای بزرگ ضرورت در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی از همان روز پس از انقلاب باید بطور شری اجرا می شد. دولت انقلاب وظیفه داشت که با قویا تکیه بر صنایع نفت، رأساً مسئولیت اجرای پروژه ها را بعهده گیرد و حداقل طرحهای نیمه تمام را به مرحله بهره برداری برساند. ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب میگذرد، ولی حتی پروژه های عظیم چند میلیارد دلاری، نظیر پروژه پتروشیمی ایران - ژاپن، که فقط ۱۰ درصد کار آن باقی مانده، محفل اتخاذ تصمیم از جانب شرکتهای ژاپنی (ا) نگاه داشته شده است.

تنها پروژه صنایع پتروشیمی ژاپن نیست که به تبع از اختلال و کاشکنی امپریالیستها و هم سیاست قاطع و فعال از جانب دولت انقلاب، نگاه داشته شده است. صدها پروژه دیگر در صنعت نفت و گاز مانند نیکتلند و آبرمانی و باناسانی و چاههای نفت، لوله کشی نفت و گاز و نقاط مختلف کشور و نظایر آنها، با اینکه در این پروژه ها صدها میلیارد دلار سرمایه گذاری شده، سر نشی متابه پتروشیمی ایران نشان داده اند.

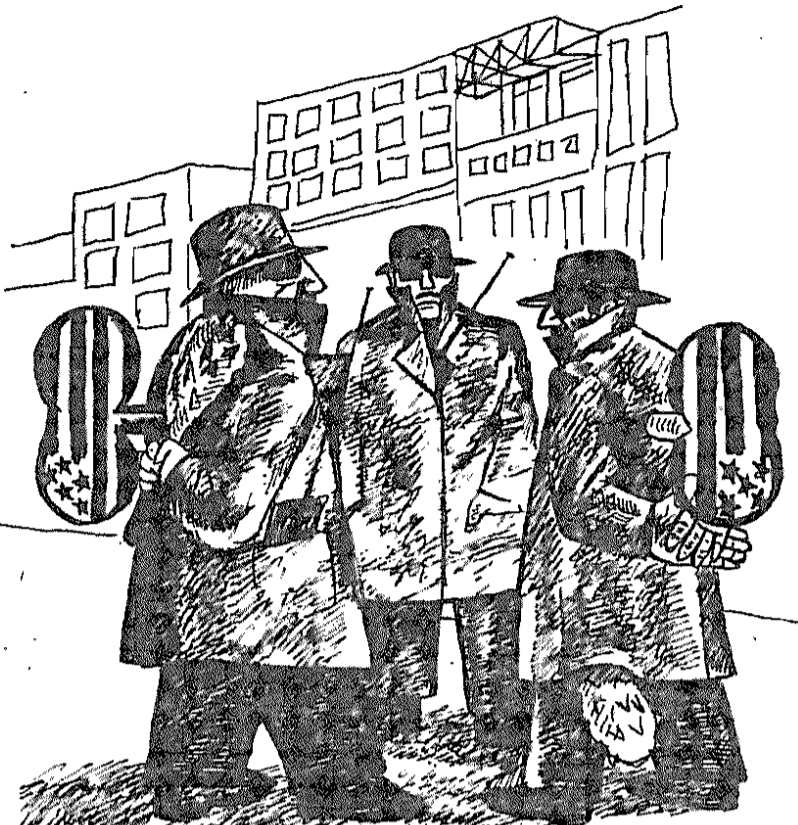
در شرایط اضطراری پس از انقلاب، باید سیاست احیاء فعالیت توسعه صنایع نفت و گاز و صنایع جنبی دیگر با اجرا گذاشته میشد. در این مدت فقط چندین سیاستی با اجرا در مانده، بلکه به هدهدهای مختلف، به اتخاذ تصمیماتی مابینت گسریه. که فقط می تواند انصارات نفتی امپریالیستی را خرمنه سازد و آنها را با دامنه توطئه علیه انقلاب ایران تشویق کند.

انتظار می رفت که پس از پیروزی انقلاب فعالیت ما در صنایع نفت، گاز و ددها و صدها صنعت در هدهدهای به آن، آنچنان توسعه پیدا کند که محتاج نیروی کار اضافی برای این صنایع باشیم. با تأسیف فراوان باید خاطر نشان ساخت که صدها هزاران کارگر و متخصص نفت، در حال حقوق و دستمزدهای گسریه در دریافت می دارند، بی آن نیروی کار و عاقل ماندن نیروی کارشان گلو شکفت دارند. ادامه این وضع برای انقلاب مخاطره آمیز است.

ما با یاد آوری صنایع عظیم نفت، گاز، پتروشیمی و کادرمین و رزیمه، در این صنایع، به فقط قادر هستیم در مدتی کوتاه صنایع نفت خود را بر مبنای تامین نیازهای داخلی کشور در دوران پس از پیروزی انقلاب، که هدف تاهمین استقلال اقتصادی در برابر مارترا گرفته، باز سازی کنیم، بلکه می توانیم با استفاده از امکانات عظیم و تحولاتی که در تناسب نیروها بسود جبهه ضد امپریالیستی در سطح جهان صورت گرفته، در بازار جهانی نفت، منجمله و ویژه به بازار تون جهانی، یعنی بازار کشورهای سوسیالیستی، از امکانات عظیم و فرقه الماده در تامین نیازهای اقتصادی و صنعتی کشور ما و جذب امکانات عظیم صنایع مستقل پیشرفته نفت و گاز ایران بر خود دار است. باید از این امکانات بسود انقلاب عظیم مردم ایران استفاده کنیم.

حتی اگر مورد تحریم و تجاوز اقتصادی و نظامی دول امپریالیستی قرار نمی گرفتیم، که غیر محتمل بود، باز هم صنایع نفت و کشورمان ایجاب می کرد که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب سیاست ضد امپریالیستی فسمالی را در نفت اجرا بگذاریم. دست زدن دول امپریالیستی، و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، به توطئه های پردر بی سیاسی، اقتصادی و نظامی علیه ایران، اتخاذ سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت را بیش از پیش ضروری میسازد.

ادامه سیاست انفجالی در نفت بزبان انقلاب ماست. باید با اتخاذ و اجرای سیاست فعال ضد امپریالیستی در نفت اقدام کنیم. باید انقلاب از نفت بهره گیریم، نه اینکه نفت بسویار انقلاب گردد.



## لیست ساواکی ها را منتشر کنید

نماینده لیبی در کنفرانس اسلامی پاکستان:

### سر نوشت انقلاب ایران و انقلاب لیبی یکی است

مصحاح با نماینده لیبی، با توجه به نزدیکی دو کشور ایران و لیبی موضع شادمانه قبال تهاجم آمریکا بایران چه بود؟  
ج - خوب می دانید که سر نوشت انقلاب ایران و انقلاب لیبی یکی است. ما هر دو با یک دشمن مواجه هستیم. شما شاه را بیرون کردید و ما آمریکا و اسرائیل می چکنیم. در رابطه با این تهاجم که ما قیلا در کنفرانس ایران عرب مواضع روشنی گسریه و آسرا محکوم کرده و گفتیم تجاوز به ایران تجاوز به تعلق خواهد شد. ما همچنین فکر می کنیم تهاجم علیه شما تهاجم علیه همه کشورهای مسلمان است.  
از مصداقش خواسته ایران اند. تحریم کنند. آیا شما از نفوذتان در افریقا

و تمام روسای دول منطقه، بجز یک دولت، بطور خصوصی یا علنی، احساس خود را در مورد مسئله گز و گانها به (امریکا) اعلام کرده اند و احساس ما و برداشتها از مسئله همانگونه بوده اند که ما می خواهیم.  
و رهبران واتکرا و

## گاههای انقلاب



نمایشگاه عکسی از گاههای انقلاب، در روز اول ماه مه، در شهرستان صومعه سرا برپا شد. این نمایشگاه که مدت چند روز ادامه داشت، مورد استقبال مردم قرار گرفت.

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تامین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

# چرا «کار»، حقایق تاریخی را در باره حزب توده ایران تحریف میکند؟

### روزنامه «کار» در موضعی کین توزانه نسبت به حزب توده ایران همه رکورد هاراشکسته است. تقریباً شماره ای نیست که در آن بعثتی، نویسندگان این روزنامه، که خود را انقلابی دوآتشه معرفی میکنند، به بیانه ای، همه آن توهمات را که ۲۵ سال ساواک و امپریالیستها و سازشکاران و تسلیم طلبان لیبرال به حزب توده ایران وارد ساخته اند، تکرار نکنند.

در شماره ۵۸ «کار» هم، مقاله نام «مرد» درباره مناسبات حزب توده ایران با دکتر مصدق و بعضی اطلاعات درباره رویدادهای مرداد ۱۳۳۲ بهانه قرار گرفته است.

برای نشان دادن ارزش واقعی محتوای مقاله «کار»، ما تنها ۳ نکته از مقاله را، که مختصر اساسی آن نیز هست، بررسی می کنیم.

۱- ایراد به اینکه چرا از طرف حزب ما «تسلیم لیست سازمان افسری» حزب توده ایران به مصدق پیشنهاد شده است. در اینجا نویسنده مقاله «کار» یک «شکر» ظریف انجام داده است. در مقاله نام «مرد» آمده است:

«سر تپه لتری که شما با او اعتماد دارید، با آنان (کودتچیان) ارتباط دارد. ما مطمئن داریم که دوستان شما در ارتش، که در پستهای فرماندهی هستند، عرضه ولایت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان باارزش و وفاداری در میان افسران داریم که پستیهای حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخصی شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه استفاده کنید. تنها از این راه میشود جلوی خرابی گرفت».

از این متن برمی آید که اصولاً مفهوم پیشنهاد در چهارچوب معرفی چند نفر برای پستیهای مهم فرماندهی، مانند رئیس شهربانی و برای کادر محافظ خود مصدق بوده است.

«شکر» ظریف نویسنده مقاله «کار» اینست که ادعا میکند که گویا حزب ما پیشنهاد کرده بود که لیست افسران عضو و هوادار حزب توده ایران در اختیار دکتر مصدق قرار گیرد. نویسنده مقاله «کار» بعد نتیجه میگیرد که این احتمال وجود داشت که دکتر مصدق، که نماینده یک حکومت سرمایه داری بود، این افراد را دستگیر و به جوخه اعدام بسازد.

باید گفت که اولاً مقایسه دکتر مصدق که بایگویی در مقابل امپریالیسم آمریکا و انگلیس ایستاده بود و در مواضع دفاع از منافع ملی ماقار گرفته بود، بعنوان حکومت سرمایه داری، اولین اشتباه بزرگ نویسنده مقاله «کار» است. مقایسه حکومتی وابسته به بورژوازی ملی در کشورهای نظیر ایران، با امپریالیسم در آن زمان، ۲۵ سال پیش، که تازه مبارزه ملی خلقها علیه امپریالیسم پا به میدان پرچوش و خروش مبارزه گذاشته بود، با حکومتی ارتجاعی سرمایه داری، نظیر همان مقایسه ای است که در چهارچوب آنان وابسته است، در مورد رژیم جمهوری اسلامی کرده اند و حالا دارند بتدریج به اشتباه خود پی میبرند.

ما در آن لحظه بدرستی تشخیص میدادیم که دکتر مصدق در جبهه نیروهای ضد امپریالیستی قرار گرفته و امپریالیسم و ارتجاع با تمامی نیرویخواهند او را سرنگون سازند، لذا باید با تمام قوا این فاجعه را غیرممکن ساخت. ما اطمینان داشتیم دکتر مصدق هرگز در مورد آن برنخواهد آمد که افراد معرفی شده از طرف مارا، که در جهت حمایت از او ارتش عمل میکنند، به جوخه اعدام بسازد. ولی نویسنده مقاله «کار» به این واقیبات کاری ندارد و تنها برای حمله به حزب مافرضهای موهوم خود را پایه این حمله قرار میدهد.

نهایتاً همانطور که در بالا گفته شد، در چهارچوب پیشنهاد درست ما برای آن لحظه خطری که چند نفر بود، در مورد این چند نفر هم اکثراً کسانی در نظر ما بودند که عضو سازمان افسری ما نبودند، ولی آنها را بعنوان افراد ملی و میهن دوست میشناختیم (بطوریکه میدانیم، ما از سرنگ بیاد در سازمان افسری نداشتیم) و از لحاظ مجموعه جنبی مورد اعتماد بودند

حزب توده ایران بوده، نویسنده مقاله «کار» یازم به همه دانشجویان پزشکی و غیر پزشکی هر کدام یک پاراگراف میدهد! بجای اینکه به تشریحات رژیم شاه مخلوع مراجعه کند، که سبب تسلیحاتی موجود حزب را، که بدستشان افتاده بود، منتشر ساخته اند.

نویسنده مقاله «کار» مدعی است که کودتا بوسیله اوباش و فوجهای عملی شد و مینویسد که تحلیل اکثریت اعضای حزب و سازمان نظامی، که از نزدیک ناظر بر اوضاع روز ۲۸ مرداد بودند، این است که کمیته ایالتی تهران به تنهایی و بدون استفاده از سلاح گرم قادر بود کودتا را در نطفه خفه کند و سازمان نظامی بعنوان نیروی ذخیره مورد استفاده قرار گیرد.

برای نشان دادن ذهنی گراشی غرض آلود نویسنده مقاله «کار» تشبیه نقل میباشی از شیوه تدارک کودتا، دامنه آن رویدادهای ۲۸ مرداد، از یک سند مهم تاریخی دیگر، که در مقاله نام «مرد» مورد استفاده قرار نگرفت، - می بردازیم.

این سند کتابی است بنام: «درستکاری ملت ایران»

پنج روز مرداد ماه ۱۳۳۲ که نویسنده آن منصور علی ایاکی و احمد بنی احمد هستند وزیر نظر ستاد کودتاجیان تنظیم گردیده و در فروردین ۱۳۳۲، برای «ثبت در تاریخ» انتشار یافته است.

مدرجات کتاب، دامنه توطئه کودتارا نشان میدهد و درستی همه آن اطلاعاتی که حزب ما از این توطئه بدست می آورد و فوراً در اختیار دکتر مصدق قرار میداد و همچنین در مطبوعات حزب انتشار می یافت، و از آنچه خبر انتقال مرکز توطئه کودتاجیان به جنوب کشور را

بختیار فرمانده تپ آنجا که آنها از هم قسمها بود، مذاکره نمود و جریان را با اطلاع اورسانید، برویم، من ماموریت داشتم که قبل از حرکت به اصفهان با سر تپ زنگنه، رئیس دانشکده افسری ملاقات کنم و او را با خود همراه نمایم. پس از مذاکراتی که با ایشان نمودیم، حاضر شد خود را با تمام قوا در موقع فرود در اختیار ما بگذارد. روز دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ بلافاصله ساعت ۱۲ شب مخربانه با تغییر نام پست اصفهان حرکت کردیم. قبل از ظهر روز سه شنبه ۲۷ مرداد به اصفهان رسیدیم و ملاقات سر تپ و سر تپ غرغرام رفتیم. پس از مذاکراتی که در اطراف موضوع نمودیم و خطرانی که از رفتن شاهنشاه مملکت عزیزمان را تهدید مینمود پارخاطر نشان نمودیم، اوم موافقت خود را با ما اعلام داشت پس از جلب موافقت او ملاقات سر تپ و محمود زاهدی وزیر. ایشان را هم با خود خدمت نمودیم و بطرف تهران حرکت کردیم و قبل از ظهر روز چهارشنبه ۲۸ مرداد به تهران وارد شدیم. یکس از دوستان دیگر ما بنام سر تپ فرزاتگان مامور شده بودند که در همان شب که من به اصفهان رفتم، اوم به کرمانشاه برود و من با همین ملاقاتی را در کرمانشاه یافتیم تپ آنجا بنامید، ما تصمیم داشتیم پس از جلب موافقت سر تپ و سر تپ و سر تپ زاهدی، بلافاصله مرکز عملیات خود را از تهران با اصفهان منتقل کنیم. صبح چهارشنبه که به تهران رسیدیم، ملاقات پدرم رفتیم و موضوع تهران از همان اول روز معلوم بود که در تحول میباشد».

«یکی دیگر از کانونهایی که بنفع شاهنشاه کار میکرد، تپ در خدمت بود و پس از خروج مظلمه از مملکت، چون فرماندهی تپ، بیوزارتداری بنفع مملکت و همچنین در جهت برای

«یکی دیگر از کانونهایی که بنفع شاهنشاه کار میکرد، تپ در خدمت بود و پس از خروج مظلمه از مملکت، چون فرماندهی تپ، بیوزارتداری بنفع مملکت و همچنین در جهت برای

«یکی دیگر از کانونهایی که بنفع شاهنشاه کار میکرد، تپ در خدمت بود و پس از خروج مظلمه از مملکت، چون فرماندهی تپ، بیوزارتداری بنفع مملکت و همچنین در جهت برای

## «منبع الهام» سازمان چریکهای فدائی خلق در باره تاریخ حزب توده ایران متأسفانه تبلیغات سرسام آور امپریالیسم و ارتجاع بوده و هنوز هم هست

تأیید میکند. ما خواندن این کتاب را به همه کسانی که میخواهند از جریان واقعی توطئه ۲۸ مرداد اطلاع پیدا کنند، توصیه میکنیم.

اینک چند قطعه از این کتاب:

### در زمینه تدارک کودتا از خاطرات مهندس اردشیر زاهدی (صفحه ۱۷۲)

صبح روز یکشنبه ۲۵ مرداد یعنی فردای آن شب که سر تپ نصیری برای ابلاغ فرمان عزل دکتر مصدق به منزل آورفته بود و همان شبانه او را توقیف نموده، عدای از خبرنگاران خارجی و داخلی را که دسترس به آنان پیدا کردیم در تپهای و لنگج (زیر نویس) و لنگج قریه ای است در جومه تهران - نزدیک شمیران که باغات زیادی دارد) جمع نمودیم. تیسار زاهدی بدو فرمان نخست وزیری خود را به آنان ارائه داد. بسا عکسهای که از فرمان مزبور شبانه تهیه نموده بودیم بین خبرنگاران توزیع کردیم. ما تصمیم داشتیم تا آخرین نفس با دولت دکتر مصدق مبارزه کنیم و از همان روز شیدیدا وارد فعالیت شدیم. پس از اینکه خبرنگاران متفرق شدند، جلسه خود را تشکیل دادیم و لنگج تشکیل دادیم که در آنجا نقشه مبارزه با حکومت مصدق را طرح نماییم. پس از مشاوره زیادی که در این مورد شد، چون مدعیان از دوستان ما در زندان دولت مصدق بودند و بهر دم اخبار بدی از آنان می رسید و ما هم قوای برای مبارزه نداشتیم، مسمم شدیم برای منافع فانی خود، بدت هر چه قناتر آغاز کنیم. در آن جلسه تصمیم گرفته شد که من و یکی از دوستان به ماموریت اصفهان و کرمانشاه (زیر نویس) این شخص که قرار بود با منس اردشیر زاهدی به کرمانشاه و اصفهان برود سر تپ فرزاتگان بود که به کرمانشاه رفت و با سر تپ

شهرستانها پورماند و تعدادی در تهران، و شاید بیشترشان هم از افسران شهرستانها بوده اند. دیگر اینکه نویسنده مقاله «کار» اصلاً این مسئله را مورد توجه قرار نداده که در حقیقت تعداد مجموعه افراد سازمان افسری حزب توده ایران در ۲۸ مرداد ۳۲، در حدود ۱۲۰ نفر کمتر از تعداد افراد سازمان دموکریک روزی سازمان بوده است. این ۱۲۰ نفر در فاصله پس از ۲۸ مرداد تا لحظه لورتن به سازمان جلب شده بودند.

کینه بدون نخلق نویسنده مقاله «کار» وقتی بیشتر آشکار میشود که مینویسد: «خلاصه کلام، ۲۸۰ نفر افسریا و بعضی افسران با اضافه سازمان برجه - داران می توانستند در صورت لزوم، چنانچه حزب توده فرض محال از عهده اوایش و فوجهای و کودتاجیان برمی آمد، وارد عمل شوند و کار کودتاجیان را یکسر کنند»

اولاً افراد وابسته به سازمان افسری در تهران ۲۸۰ تا نیست و حداکثر ۲۰۰ تا و شاید از آنهم کمتر باشد. ثانیاً اینها نه تنها همه افسر نبودند بلکه ۷۰ تا ۸۰ نفری از آنان را پزشکان و دانشجویان پزشکی و دانشجویان هوائی و اداری تشکیل میدادند. ثالثاً آنهایی هم که افسر بوده اند، نه تنها همه واحدهای نظامی نداشتند، بلکه برعکس، عده زیادی در کارهای اداری و قضائی اشتغال داشته اند. رابعاً آنهایی هم که واحد داشته اند، پس واحدها در اختیار آنان نبوده و بطور مسلم ضد انقلاب در این واحدها مواضع برعکس محکمتری داشته است.

همه این مطالب در توضیحات روشن مقاله نام «مرد» آمده است، ولی نویسنده مقاله «کار» آنها را ندیده میگرد، ظاهراً به این امید که خوانندگان روزنامه «کار» تشریحات حزب توده ایران را نمیخوانند!

درباره میزان تسلیحاتی که در اختیار

بماند، باید راه چاره ای بیندازد. تیسار زاهدی هم همین عقیده را داشتند. بلافاصله در همان جلسه تصمیم گرفتند که فرمان را بوسیله سر تپ نصیری که رئیس گارد شاهنشاهی بود به دکتر مصدق ابلاغ کنند. نقشه بدین ترتیب تنظیم شد که در شب یکشنبه در یکی از نقاط شمیران در خدمت تیسار زاهدی جمع شویم و در صورتیکه دکتر مصدق از فرمان عزل تمکین نمودند، همان شبانه زمام امور را در دست بگیریم و در همان جلسه آقای سر لشکر با تمام قلب بریاست ستاد ارتش تعیین شد. ما قصد کودتای دوشنبه و صرفاً میخواستیم فرمان شاهنشاه را ابلاغ کنیم. نقشه ای که برای ابلاغ فرمان طرح کرده بودیم چنین بود که سر تپ نصیری بامداد از فرات خود شبانه فرمان را به آقای نصبت وزیر (دکتر مصدق) تسلیم کند و همان عده شبانه انتظامات شهر را به عهده بگیرند و در سر تپها بمانند تا صبح که بمورد روز آزاد میشود.

شب که سر تپ نصیری برای ابلاغ فرمان (شب یکشنبه ۲۵ مرداد) عزل مصدق بمنزل آورد، ما با یکساعت منتظر شدیم و خبری از او بدست نیامد. یقین کردیم که حسن ماساب بود و دکتر مصدق زیر بار فرمان شاهنشاه رفته است. در این موقع تیسار زاهدی بمن دستور دادند که بشیر رفته و خبری برای ایشان بیاورم. من با اتوبوس خود به پادشاه رفتم. هنوز به درب پادشاه نرسیده بودم که سر تپ کیانی و چند افسر دیگر را دیدم که در وسط در پادشاه ایستاده اند. فهمیدم که سر تپ نصیری در کار خود توفیق حاصل نموده است. اتوبوس خود را برگرداندم و از خیابان سیمتری سرازیر شدم و وارد خیابان قزوین گردیدم و از مقابل دخانیات گذشته به چاده کرج که از میدان قزوین شروع میشود، وارد شدم و پس از طی چند کیلومتر وارد چاده مخصوصی که به میدان جبهه منتهی میشود گشتم و مجدداً بشیر مراجعت و از بیراهه وارد چاده شمیران شدم و خود را به تیسار زاهدی رسانیدم تا واقعه را بر عرضشان رسانیدم همانجا تصمیم گرفتیم که متفرق شویم و به منزلان برویم و وقایع منتظر شویم ببنیم فرآ صبح دکتر مصدق چه عکس العملی از خود نشان خواهد داد. صبح روز یکشنبه ۲۵ مرداد وقتی که رسیدیم که دولت بوسیله رادیو قضایا را برخلاف حقیقت به ملت اعلام کرد و وجود فرمان عزل را یکلی منکر شده است بر ما یقین شد که مصدق خیال طغیان دارد و ما ناچاریم مبارزه شدیدی را آغاز نماییم. ضمناً با دستگیری سر تپ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی قوای انتظامی هم در دست ما بود و ما با قوای امر احتیاج داشتیم که عده ای از قوای نظامی را برای اجرای عملیات خود با خود همراه نماییم. بدین جهت روز بعد (۲۶ مرداد) تصمیم گرفتیم که مرکزی را برای عملیات خود انتخاب کنیم.

با توافق آراء صوب شد که یکی از استاتارها در دست بگیریم. چون به شاهد رستی و میهن پرستی کلیه افسران لشکر و تپهای تهران و خارج از تهران اعتماد داشتیم، عملیات را در آن دیدیم که مرکز عملیات را اصفهان قرار دهیم. از اینرو نیمه شب آقای سهندس اردشیر زاهدی فرزند تیسار زاهدی، با اتوبوس به اصفهان عزیمت نمود. قرار شد ایشان بروند و با سر تپ دول و سر تپ غرغرام که اولی فرماندهی لشکر رود می هم ماون لشکر اصفهان بود، مذاکره کنند. از طرفی سر تپ باز نشسته عباس فرزاتگان که او هم مورد تعقیب فرمانداری نظامی بود به کرمانشاه برود و با سر تپ تیسار بختیار فرمانده تپ کرمانشاه مذاکره کنند. هدف ما این بود که اگر فرمانده لشکر اصفهان و فرمانده تپ کرمانشاه موافقت کنند، دولت قانونی خود را در یکی از شهرستانهای مذکور تشکیل داده و با اعلام استقلال واحدهای ارتش و انتظامی کرمانشاه و اصفهان، سایر واحدهای اهواز، خرم آباد و کرمان را هم که در شاهد رستی و میهن پرستی فرماندهان آن تردید نداشتیم با خود خدمت و جنوب ایران را از مرکز مجزا کنیم و از آنجا تکلیف دولت مصدق را معلوم و تهران را تصرف نماییم، ولی چون از وجود چندین افسر خائن به شاه در راس تشکیلات ارتش مستحضر بودیم، علاوه بر وجود حزب توده ما بر آن داشت که نقشه خود را تکمیل نماییم. بدین معنی که اگر قرار شد پادگان مرکز بنام دستور آمده ای از افسران مقاومت نمایند، ما هم تپ کار را قبلاً دیده بانشیم. لذا پیش بینی کردیم که اولاً عده قوای مرکز فقط برای حفظ انتظامات تهران بکار خواهد رفت و بقیه در مواضع ۶

بماند، باید راه چاره ای بیندازد. تیسار زاهدی هم همین عقیده را داشتند. بلافاصله در همان جلسه تصمیم گرفتند که فرمان را بوسیله سر تپ نصیری که رئیس گارد شاهنشاهی بود به دکتر مصدق ابلاغ کنند. نقشه بدین ترتیب تنظیم شد که در شب یکشنبه در یکی از نقاط شمیران در خدمت تیسار زاهدی جمع شویم و در صورتیکه دکتر مصدق از فرمان عزل تمکین نمودند، همان شبانه زمام امور را در دست بگیریم و در همان جلسه آقای سر لشکر با تمام قلب بریاست ستاد ارتش تعیین شد. ما قصد کودتای دوشنبه و صرفاً میخواستیم فرمان شاهنشاه را ابلاغ کنیم. نقشه ای که برای ابلاغ فرمان طرح کرده بودیم چنین بود که سر تپ نصیری بامداد از فرات خود شبانه فرمان را به آقای نصبت وزیر (دکتر مصدق) تسلیم کند و همان عده شبانه انتظامات شهر را به عهده بگیرند و در سر تپها بمانند تا صبح که بمورد روز آزاد میشود.

شب که سر تپ نصیری برای ابلاغ فرمان (شب یکشنبه ۲۵ مرداد) عزل مصدق بمنزل آورد، ما با یکساعت منتظر شدیم و خبری از او بدست نیامد. یقین کردیم که حسن ماساب بود و دکتر مصدق زیر بار فرمان شاهنشاه رفته است. در این موقع تیسار زاهدی بمن دستور دادند که بشیر رفته و خبری برای ایشان بیاورم. من با اتوبوس خود به پادشاه رفتم. هنوز به درب پادشاه نرسیده بودم که سر تپ کیانی و چند افسر دیگر را دیدم که در وسط در پادشاه ایستاده اند. فهمیدم که سر تپ نصیری در کار خود توفیق حاصل نموده است. اتوبوس خود را برگرداندم و از خیابان سیمتری سرازیر شدم و وارد خیابان قزوین گردیدم و از مقابل دخانیات گذشته به چاده کرج که از میدان قزوین شروع میشود، وارد شدم و پس از طی چند کیلومتر وارد چاده مخصوصی که به میدان جبهه منتهی میشود گشتم و مجدداً بشیر مراجعت و از بیراهه وارد چاده شمیران شدم و خود را به تیسار زاهدی رسانیدم تا واقعه را بر عرضشان رسانیدم همانجا تصمیم گرفتیم که متفرق شویم و به منزلان برویم و وقایع منتظر شویم ببنیم فرآ صبح دکتر مصدق چه عکس العملی از خود نشان خواهد داد. صبح روز یکشنبه ۲۵ مرداد وقتی که رسیدیم که دولت بوسیله رادیو قضایا را برخلاف حقیقت به ملت اعلام کرد و وجود فرمان عزل را یکلی منکر شده است بر ما یقین شد که مصدق خیال طغیان دارد و ما ناچاریم مبارزه شدیدی را آغاز نماییم. ضمناً با دستگیری سر تپ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی قوای انتظامی هم در دست ما بود و ما با قوای امر احتیاج داشتیم که عده ای از قوای نظامی را برای اجرای عملیات خود با خود همراه نماییم. بدین جهت روز بعد (۲۶ مرداد) تصمیم گرفتیم که مرکزی را برای عملیات خود انتخاب کنیم.

با توافق آراء صوب شد که یکی از استاتارها در دست بگیریم. چون به شاهد رستی و میهن پرستی کلیه افسران لشکر و تپهای تهران و خارج از تهران اعتماد داشتیم، عملیات را در آن دیدیم که مرکز عملیات را اصفهان قرار دهیم. از اینرو نیمه شب آقای سهندس اردشیر زاهدی فرزند تیسار زاهدی، با اتوبوس به اصفهان عزیمت نمود. قرار شد ایشان بروند و با سر تپ دول و سر تپ غرغرام که اولی فرماندهی لشکر رود می هم ماون لشکر اصفهان بود، مذاکره کنند. از طرفی سر تپ باز نشسته عباس فرزاتگان که او هم مورد تعقیب فرمانداری نظامی بود به کرمانشاه برود و با سر تپ تیسار بختیار فرمانده تپ کرمانشاه مذاکره کنند. هدف ما این بود که اگر فرمانده لشکر اصفهان و فرمانده تپ کرمانشاه موافقت کنند، دولت قانونی خود را در یکی از شهرستانهای مذکور تشکیل داده و با اعلام استقلال واحدهای ارتش و انتظامی کرمانشاه و اصفهان، سایر واحدهای اهواز، خرم آباد و کرمان را هم که در شاهد رستی و میهن پرستی فرماندهان آن تردید نداشتیم با خود خدمت و جنوب ایران را از مرکز مجزا کنیم و از آنجا تکلیف دولت مصدق را معلوم و تهران را تصرف نماییم، ولی چون از وجود چندین افسر خائن به شاه در راس تشکیلات ارتش مستحضر بودیم، علاوه بر وجود حزب توده ما بر آن داشت که نقشه خود را تکمیل نماییم. بدین معنی که اگر قرار شد پادگان مرکز بنام دستور آمده ای از افسران مقاومت نمایند، ما هم تپ کار را قبلاً دیده بانشیم. لذا پیش بینی کردیم که اولاً عده قوای مرکز فقط برای حفظ انتظامات تهران بکار خواهد رفت و بقیه در مواضع ۶

بماند، باید راه چاره ای بیندازد. تیسار زاهدی هم همین عقیده را داشتند. بلافاصله در همان جلسه تصمیم گرفتند که فرمان را بوسیله سر تپ نصیری که رئیس گارد شاهنشاهی بود به دکتر مصدق ابلاغ کنند. نقشه بدین ترتیب تنظیم شد که در شب یکشنبه در یکی از نقاط شمیران در خدمت تیسار زاهدی جمع شویم و در صورتیکه دکتر مصدق از فرمان عزل تمکین نمودند، همان شبانه زمام امور را در دست بگیریم و در همان جلسه آقای سر لشکر با تمام قلب بریاست ستاد ارتش تعیین شد. ما قصد کودتای دوشنبه و صرفاً میخواستیم فرمان شاهنشاه را ابلاغ کنیم. نقشه ای که برای ابلاغ فرمان طرح کرده بودیم چنین بود که سر تپ نصیری بامداد از فرات خود شبانه فرمان را به آقای نصبت وزیر (دکتر مصدق) تسلیم کند و همان عده شبانه انتظامات شهر را به عهده بگیرند و در سر تپها بمانند تا صبح که بمورد روز آزاد میشود.

شب که سر تپ نصیری برای ابلاغ فرمان (شب یکشنبه ۲۵ مرداد) عزل مصدق بمنزل آورد، ما با یکساعت منتظر شدیم و خبری از او بدست نیامد. یقین کردیم که حسن ماساب بود و دکتر مصدق زیر بار فرمان شاهنشاه رفته است. در این موقع تیسار زاهدی بمن دستور دادند که بشیر رفته و خبری برای ایشان بیاورم. من با اتوبوس خود به پادشاه رفتم. هنوز به درب پادشاه نرسیده بودم که سر تپ کیانی و چند افسر دیگر را دیدم که در وسط در پادشاه ایستاده اند. فهمیدم که سر تپ نصیری در کار خود توفیق حاصل نموده است. اتوبوس خود را برگرداندم و از خیابان سیمتری سرازیر شدم و وارد خیابان قزوین گردیدم و از مقابل دخانیات گذشته به چاده کرج که از میدان قزوین شروع میشود، وارد شدم و پس از طی چند کیلومتر وارد چاده مخصوصی که به میدان جبهه منتهی میشود گشتم و مجدداً بشیر مراجعت و از بیراهه وارد چاده شمیران شدم و خود را به تیسار زاهدی رسانیدم تا واقعه را بر عرضشان رسانیدم همانجا تصمیم گرفتیم که متفرق شویم و به منزلان برویم و وقایع منتظر شویم ببنیم فرآ صبح دکتر مصدق چه عکس العملی از خود نشان خواهد داد. صبح روز یکشنبه ۲۵ مرداد وقتی که رسیدیم که دولت بوسیله رادیو قضایا را برخلاف حقیقت به ملت اعلام کرد و وجود فرمان عزل را یکلی منکر شده است بر ما یقین شد که مصدق خیال طغیان دارد و ما ناچاریم مبارزه شدیدی را آغاز نماییم. ضمناً با دستگیری سر تپ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی قوای انتظامی هم در دست ما بود و ما با قوای امر احتیاج داشتیم که عده ای از قوای نظامی را برای اجرای عملیات خود با خود همراه نماییم. بدین جهت روز بعد (۲۶ مرداد) تصمیم گرفتیم که مرکزی را برای عملیات خود انتخاب کنیم.

با توافق آراء صوب شد که یکی از استاتارها در دست بگیریم. چون به شاهد رستی و میهن پرستی کلیه افسران لشکر و تپهای تهران و خارج از تهران اعتماد داشتیم، عملیات را در آن دیدیم که مرکز عملیات را اصفهان قرار دهیم. از اینرو نیمه شب آقای سهندس اردشیر زاهدی فرزند تیسار زاهدی، با اتوبوس به اصفهان عزیمت نمود. قرار شد ایشان بروند و با سر تپ دول و سر تپ غرغرام که اولی فرماندهی لشکر رود می هم ماون لشکر اصفهان بود، مذاکره کنند. از طرفی سر تپ باز نشسته عباس فرزاتگان که او هم مورد تعقیب فرمانداری نظامی بود به کرمانشاه برود و با سر تپ تیسار بختیار فرمانده تپ کرمانشاه مذاکره کنند. هدف ما این بود که اگر فرمانده لشکر اصفهان و فرمانده تپ کرمانشاه موافقت کنند، دولت قانونی خود را در یکی از شهرستانهای مذکور تشکیل داده و با اعلام استقلال واحدهای ارتش و انتظامی کرمانشاه و اصفهان، سایر واحدهای اهواز، خرم آباد و کرمان را هم که در شاهد رستی و میهن پرستی فرماندهان آن تردید نداشتیم با خود خدمت و جنوب ایران را از مرکز مجزا کنیم و از آنجا تکلیف دولت مصدق را معلوم و تهران را تصرف نماییم، ولی چون از وجود چندین افسر خائن به شاه در راس تشکیلات ارتش مستحضر بودیم، علاوه بر وجود حزب توده ما بر آن داشت که نقشه خود را تکمیل نماییم. بدین معنی که اگر قرار شد پادگان مرکز بنام دستور آمده ای از افسران مقاومت نمایند، ما هم تپ کار را قبلاً دیده بانشیم. لذا پیش بینی کردیم که اولاً عده قوای مرکز فقط برای حفظ انتظامات تهران بکار خواهد رفت و بقیه در مواضع ۶



## ورزشی تحریم المپیک مسکو به ضرر ورزش ایران است

هیئت کشتی فومن  
شمن دستور اطلاعاتی به تاریخ ۲۸ اردیبهشت با تاکید بر این که «تحریم المپیک مسکو به ضرر ورزش ایران است»، خواستار شرکت ایران در این بازیها شد. در این اطلاعیه، که به امضای رئیس، دبیر و اعضاء هیئت کشتی شهرستان فومن، مربیان و کشتی گران این شهرستان رسیده، همچنین آمده است:

«تحریم المپیک مسکو از جانب شورای انقلاب که مورد موافقت متخصصین و کارشناسان ورزش و ورزشکاران و ورزش دوستان ایران نیست، این سؤال مطرح میشود که آیا قرار گرفتن در کنار کشورهای امپریالیستی به خصوص امپریالیسم آمریکا که متبکر اصلی تحریم مسابقات المپیک بوده است، برآزنده است ایران انقلابی است؟ آیا شایسته است که ناگاهانه دنباله رو تصمیمات مغروران کشورهای امپریالیستی شد؟

در دنباله این اعلامیه ضمن تاکید بر اینکه ورزشکاران در عرصه سازندگی جامعه ایران احتیاج به تلاش و رقابت سالم دارند، آمده است:

«تحریم المپیک مسکو به ضرر ورزش ایران است. اگر ورزش به رشد و تکامل احتیاج دارد، باید این زمینهها را در داخل و هم در جنبه های بین المللی فراهم کنیم. متأسفانه به علت سیاست قفل و ضد خلقی رژیم قبل جوانان ما به علت نداشتن امکانات ورزشی و عدم تشویق و ورزش به انواع انحرافات کشیده میشوند. هم اکنون بیش از ۵ میلیون نفر از مردم ایران متعاند هستند، که بیشتر آن ها را جوانان تشکیل می دهد. ما باید برای نجات آنان زمینه های مناسبی آماده کنیم تا خود را از این مهلکه نجات بخشند. با تقویت ورزش در داخل کشور و شرکت در مسابقات بین المللی میتوان کام مهمی در این راه برداشت. بگذریم از ورزشکاران ما بر کسب مسابقات المپیک تلاش و زحمت و ابتکار خود را در زمینه ورزش به نمایش بگذارند».

در پایان این اطلاعیه از شورای انقلاب خواسته شده است تا با بهادری عمیق به اصول رشد و تکامل ورزش ایران، مسئله شرکت در بازیهای المپیک ۱۹۸۰ مسکو را مجدداً مورد بررسی قرار دهند».

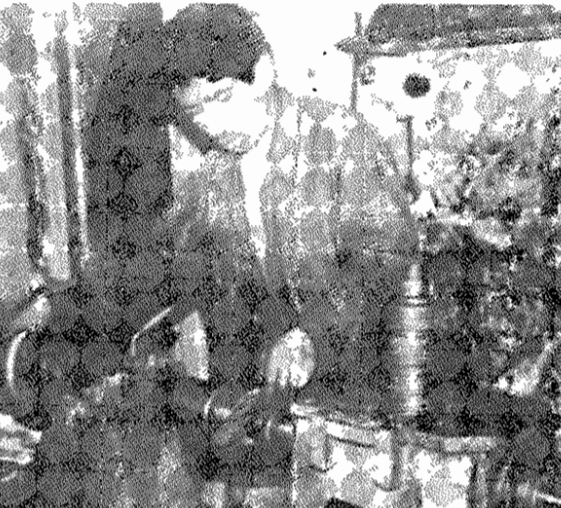
## اقدام مفید سازمان آب به نفع زحمتمکشان

بدنبال چاپ گزارش «شاه را بیرون گردیم، با آمریکا می جنگیم، هیچکس بفکر ما نیست»، که در ۲۶ بهمن ۱۳۳۹ «مرد» که در آن مشکلات زانغه نینیان محله زنجیان شالی طرح شده بود، سازمان آب منطقه ای تهران طی نامه ای اعلام داشته است:

«تنها امکان این سازمان جهت استفاده از نطفه نینیان محل مذکور از آب تصفیه شده به منظور شرب، برقراری دو دستگاه شیر برداشت عمومی در طرفین خیابان زنجیان شمالی بوده، که در تاریخ ۲۲ بهمن ۵۹ به نسبت آن اقدام گردیده است و هم اکنون مورد بهره برداری رایگان زانغه نینیان محل نامبرده میباشد».

نامه «مرد» بدینوسیله از توجه مسئولان سازمان آب بشکلات زانغه نینیان تشکر میکند و اقدام یاد شده را مفید و رسود زحمتمکشان میداند.

# کارگران باسالتها کار مداوم، جز در استان خسته سماورساز و چشمان کم سو، هیچ چیز نداریم! تبریز:



کارگاه های سماورسازی تبریز پستان دهمه های عهد عتیق از صبح تا شام در میان دود و صدای غولپورند. کارگاههایی که در هر کدام، کارگرانی کوچک و بزرگ - از کودک ۱۲ ساله تا پیرمرد ۷۰ ساله بکار مشغولند، کارگرانی که ناچارند هر روز با دستهای استخوانی و پر قدرتشان چرخ دستگاههایی را که تا همین چند روز پیش در یک خانواده پر جمعیت است، بچرخانند.

به قافله هایشان که بنگری، از برای برده های زرد رنگ که پلکها و صورتشان را پوشانده، می توانی رنگ سالتاها کار طاقت فرسا را در این دهمه های مرگ بر هر چرخ صورتشان بیایی. نگاه کن! نگاه کن! نگاه کن! یک کوه امید به پایش نشسته است. امیدهایی که انتظار دارند به اندازه گذشت نژادیک به یکسال و نیم از انقلابی که خود در آن نقش فعال داشته اند، برآورد و شکوفا شود.

در تبریز حدود ۲۰۰۰ نفر در این شرایط بکار سماورسازی مشغولند. ساختن یک سماور مراحل مختلفی از جمله ریخته گری، جوشکاری، کروم نیکل کاری، سوراخ کاری، قابلمه بندی و... را می طلبد. در گذشته قوانین ضد کارگری رژیم طاغوت باعث شد که تعدادی از کارگاه ها برای این که از دسترس مأمورین دولت و از پرداخت انواع و اقسام عوارض، در امان باشند، به سطح شهر، حتی به خانه ها کشیده شود. ولی عمده کارگاه های سماورسازی تبریز در گوشه ای از محله های قدیمی شهر، چنانچه اداره منایرات، پائین تر از میدان دانشسرا، قرار دارد. در این مکان حدود ۳۰ کارگاه کوچک و بزرگ در دوردست قرار گرفته اند. کارگاههایی که در هر کدام حداقل ۴ کارگر بکاری چاقو تراش می کنند.

وارد یکی از کارگاه ها می شویم. چهار دیواری است حدود ۳ در ۲/۵ متر، که چهار کارگر در آن مشغول بکارند. از در درون می پرسیم: آنچه می گویند، تنها درد خوششان نیست، مشکلی است که تمامی کارگران این صنف سالهاست با آن دست بگریزانند. لقیه کارگری منعی که با برآورد و پیشش با هم در این کارگاه کار می کنند، میگویند ۲۰ سال است که با روزی ۱۰ ساعت کار، در این محیط ها کار می کنیم. امروز آنچه بیشتر ما کارگران این صنف را می آزاده، گران روز افزون و ناپایی وسایل اولیه است. برنج کیلویی ۱۶۵ ریال (قیمت چند ماه پیش) را حالا ناچاریم کیلویی ۳۳۰ ریال بخریم. یک عده ضد انقلابی و سرمایه دار هستند که با احتکار اجناس پرداخته اند. اگر برنج بیست مانرسد، بیکار میمانیم.

در ادامه صحبت، یکی دیگر از کارگران می گوید: «قبلا از خسرده برنج های سیاه نیز پس از ذوب استفاده می کردیم، که کیلویی ۱۱۰ ریال بود و حالا بدو برابر این قیمت هم گیر نمی آید. پس از آنی که از اعماق وجودش پس می آید، در ادامه حریف می شویم. چندی پیش اتحادیه مانندی تشکیل دادیم تا بتوانیم حداقل مواد اولیه را از نظر قیمت و ناپایی پی گیری کنیم. از استانداری نامه ای گرفتیم و به فروشگاه صنایع ارتش که برنج را از سلطنت آباد تهیه می کند، مراجعه کردیم. (قبلا نیز از آنجا این فلز را تهیه می کردیم). ۱۰۰۰ تومان از ما پول گرفتند و در قبالش ۲۰۰ کیلو برنج به ما دادند. خودشان می گفتند این اضافه پول را برای سرمایه گذاری بیشتر در این کار می خواهیم. حالا دیگر چطور؟ نمی دانم.»

یکی دیگر از کارگران در این مورد میگوید: «قبلا برنج را از زاین وارد می کردیم، که حالا هم کمپاد و هم گران شده است. اگر دولت قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را اجرا کند، فکر میکنم این وضع تا نامان درست شود.» شرایط سخت کار در این کارگاه ها هیچ شباهتی به یک محیط انسانی ندارد. از بهداشت و درمان و بیمه گرفته تا تأمین زندگی و دیگر حقوق قانونی. کار در اینجا مرگ تدریجی است. علی پور یکی از این کارگران میگوید: «در اینجا از بیمه و بهداشت خبری نیست، اگر خدای نکرده»

## برنج کمپاد است... دولت باید قانون ملی شدن بازرگانی خارجی را اجرا کند، چرا کاری نمیکنند؟

در چنین کارخانه ای برایمان پیش باید، هیچ فریادسی نداریم. هیچ کس نیست که به دردمان برسد، آنوقت هم خود و هم خانواده مان باید گرسنه باشن. استادکاری که نشان سالها کار پر درد را میتوانی در چهره اش بخوانی، میگوید: «۲۵ سال است کار میکنم. ولی بازم هیچ چیز جز چشمان کم سو و دستان خسته، ندارم، فکر میکنم بازنشستگیمان هم با هم گمان شروع شود. دولت باید فکری بحالما بکند.»

در این کارگاهها نیز مانند بسیاری از دیگر کارگاه های مختلف کشور کودکان و نوجوانانی که باید بسا این سن، پشت میز مدرسه باشند تا مشغول کار، در این شرایط سخت، در کاری طاقت فرسا و جوشان تحلیل میروند. کودکان و نوجوانانی که چرخ کوچک این کارگاهها را برای حرکت درآوردن چرخ عظیم زندگی و از بهر تأمین زندگی دیگران می چرخانند. یکی از آنها که ۴ سال است در این کارگاهها مشغول کار است، میگوید:

«نه تنها در اینجا چیزی نداریم، بلکه در زندگی هم از همه چیز محروم هستیم، بدون تفریح و تفریح و تحصیل، حتی با دستکامهایی ابتدایی، در این محیط چاقو تراش، آنتیبا کار میکنیم که تکرار صداهای این کارگاه، همیشه در گوشمان، حتی، شبها، راحتان نمی گذارد.» حسین، کارگر نوجوان دیگری، که تا سوم راهنمایی تحصیل کرده، میگوید:

«به علت وضع نامساعد مالی خانواده، ناچار شدیم ترک تحصیل کنیم. و حالا ۳ سال است که اینجا کار میکنم. شرایط کار اینجا آنتیبا سخت است که شب خسته و کوفته می شویم. صبح به زود از خواب بیدار می شویم، دولت باید شرایط قانونی کار را برایمان فراهم کند. ما اینجا هیچ چیز نداریم ما هم طبق مقررات قانون کار از بیمه، بهداشت، مرخصی، ساعات قانونی، اشتغال به کار و غیره برخوردار شویم. ما می خواهیم شرایطی برایمان پدید آید تا بتوانیم ادامه تحصیل بدهیم.»

دروها همه یکی است. همه یک چیز میخواهند، یعنی خواست-هایی که اجری این: قانون کار تصویب شده است. بیشترشان بر این قول متفق اند که دولت باید با ایجاد تعاونها و کارگاههای بزرگ، تمامی این کارگران را در یکجا گرد آورد و شرایط مناسب کار برایشان آماده کند.

## شورای کارخانجات نساجی مازندران و شرکت سهامی نساجی شماره ۱ و گونی بافی: با میزان فعلی وام مسکن کارگری، مشکل مسکن کارگران حل نمی شود

شورای کارخانجات نساجی مازندران و شرکت سهامی نساجی شماره یک و گونی بافی از طرف کارگران این واحدهای تولیدی، طی نامه ای به وزیر کار و امور اجتماعی، خواستار افزایش میزان وام مسکن کارگران شدند. دگر گونی های چشم گیری که پس از انقلاب و در دوره نظام جمهوری اسلامی ایران بسود اقتصاد و رفاهت کجور آمد به عمل آمده، به وام مسکن کارگران پرداخته اند. کارگران معتقدند که سالهاست که مسکن و مقدار وام مسکن کارگران کم مبلغ آن جوابگوی حداقل نیاز کارگران در این زمینه نیست. یک مشکل جدی برای بسیاری از آنان بوجود آمده است. حداقل میزان این وام (یک میلیون ریال) جوابگوی تعمیر، تکمیل یا اقدامات اولیه برای تأمین مسکن آنان نیست. دست در همین موقعیت، کارمندان بعضی موسسات دولتی از وامهایی تا ۵ میلیون ریال برخوردار می شوند.

شورای کارخانجات نساجی مازندران و... از طرف کارگران مصراحت خواستار شده است تا: «توجه عاجلی نسبت به بازدهی مبلغ وام مسکن کارگری مبتول شود و مقرر شود که: «برای کارگران کارخانه های تولیدی که غالباً با تلاش چندین ساله هنوز هم از مسکن کافی برخوردار نیستند، میزان وام را تا چهار میلیون ریال افزایش دهند تا در عصر انقلاب، کارگران بتوانند با پرداخت بهره کمتر و در سافت و بیشتر، نسبت به تأمین مسکن عائله خود اقدام کنند.»

مستفانه نحوه آموزش مریبان تقریباً مانند قبل است. اغلب اگر هر قسمت ۴ مریب باید داشته باشد، ۲ مریب آن همیشه غایب اند. مریبان این آموزشگاه شورائی تشکیل داده اند که البته چندان فعال نیست. کارآموزان این آموزشگاه چون موقت و در حدود ۳ ماهه در این آموزشگاه مستند، شورا تشکیل نداده اند، فقط قسمت های مختلف ناپیدگانی انتخاب کرده اند.

## درباره آموزشگاه حرفه ای میدان کشتارگاه

آموزشگاه حرفه ای شماره یک و دو در میدان کشتارگاه در جنوب تهران واقع است. این مرکز تعلیماتی وابسته به وزارت کار است و بودجه و وسائل آن در این وزارتخانه تعیین می شود. این آموزشگاه از قسمت های مختلف تشکیل شده است که عبارتند از: اتومکانیک (مکانیکی ماشین)، برق فشارقوی، برق ساختمان، تراشکاری، جوشکاری، لوله کشی، نقشه کشی. آموزشگاه حرفه ای شماره یک در حدود ۲۰ مریب و ۶۷ کارآموز دارد. میانگین مریبان هر قسمت ۱۳ نفر است. ساعت کار آن ۸ صبح تا ساعت ۴/۵ بعد از ظهر است و دارای سلف سرویس است، که کارآموزان از آن استفاده می کنند. البته به ازای سلف سرویس آن به علت اتمام قرارداد تعطیل شده است. ماهانه مبلغ ۳۰۰ تومان هم به هر یک از کارآموزان پرداخت می شود.

در آموزشگاه هنوز روش های قبل از انقلاب متداول است. میانگین کارآموزان هر کارگاه در حدود ۱۲ نفر است. در کارگاهها دستگاههای قابل توجهی وجود دارد. قسمت تراشکاری قبل از انقلاب حدود ۱۸ دستگاه داشت، که بعد از انقلاب به حدود ۲۲ دستگاه افزایش یافت. ماشین های قلی ساخت شوروی، بلنارستان، زاین، چکسلواکی، آمریکا و انگلیس بودند. مجموعاً حدود ۱۲ الی ۳ دستگاه خراب است و قابل استفاده نیست.

از دستگاههای موجود، ۵ دستگاه فرز و بقیه دستگاه تراش است. بودجه ای که در اختیار وزارت کار قرار گرفت باعث شد که تعدادی ماشین نو خریداری کنند، از جمله در قسمت مکانیک ماشینهای تراش که تا زکی اندود خراب کردند و موتورهای جدید از نوع پیکان ۷ دستگاه، رنو ۷ دستگاه - ۵ عدد دفن نیال ۵ فرمان - یک عدد بالانس مدرن چرخ به مبلغ ۵۷ هزار تومان یک شمع پاکس و قطعات دیگری خریداری شده است. البته قسمت های دیگر آموزشگاه نیز خریداری کرده اند.

بیشتر کارآموزان که در آنجا تحصیل میکنند، اهل محلات اطراف آنجا یعنی کشتارگاه، عباسی، دراز غار، جوادیه و نازی آباد هستند.

## سندیکاهای و شوراهای کارگری تهران و حومه:

## در تصمیم گیری پیرامون مسائل کارگری، از کارگران نظر خواهی کنید!

دستزد با طرح طبقه بندی مشاغل ممکن است با افزایش تولید که خواست مریب جامعه انقلابی ماست، کمک کند. ما با احساس مسئولیتی که نسبت به حفظ و دفاع از موجودات جمهوری اسلامی ایران داریم، تقاضا میکنیم نمایندگان سندیکاهای و شوراهای کارگری در کلیه تصمیماتی که بکارگران مربوط میشود، شرکت داده شوند. ۱- دبیر سندیکای کارگران و کارکنان سینما-های تهران ۲- کتشی ایران ۳- شورای سازمان آب تهران، تصفیه خانه تهران پارس ۴- سندیکای چهار قالب بند ۵- رئیس شورای اسلامی کارگران شهرداری تهران ۶- دبیر سندیکای کارگران تأسیسات ۷- دبیر سندیکای کارگران درودگرهای تهران ۸- نماینده کارگران شهرداری منطقه ۴ ۹- نماینده کارگران و دانشمندان غیر نظامی راهنمایی داندگی تهران ۱۰- سندیکای کارکنان شرکتهای ساختمانی ۱۱- سندیکای خازینهای سنگی ۱۲- شورای کارکنان شرکت بنا ۱۳- شورای اداره کل امانی شهرداری تهران و گروهی دیگر از شرکتهای و سندیکاهای کارگری

سندیکاهای و شوراهای کارگری تهران و حومه، با ارسال نامه ای به شورای انقلاب، وزارت کار و امور اجتماعی و شورای عالی کار، در ارتباط با تعیین میزان حداقل دستمزد، نظریات خود را اعلام داشتند. در این نامه می خوانیم: «متصاقب اعلام و تصویب میزان حداقل دستمزد، توسط شورای عالی کار و شورای انقلاب اسلامی ایران، تاکنون مخالفت های زیادی از جانب سازمانهای کارگری و سیاسی ایران شده است. ما بدون آنکه در شرایط حساس کنونی بخوایم خود را در مقابل دولت و شورای انقلاب اسلامی قرار دهیم، بذکر یک نکته اساسی می پردازیم:

کارگران و زحمتکشان کشور که همواره در صف مقدم جبهه انقلاب قرار داشته، و مدافع پیکر جمهوری اسلامی ایران هستند، حق دارند، انتظار داشته باشند، در کلیه تصمیماتی که بر نوشتن آنان مربوط میشود، دخالت کنند. چه با تصویب نامه های بدون مشاوره آنان صورت گرفته و باعث برانگیختن گروهی از کارگران شده و در نهایت ضد انقلاب آنان بهره گرفته است. تصویب حداقل دستمزد، رابطه آن با طرح طبقه بندی مشاغل و عدم استقبال آن از طرف کارگران، ثابت میکند که این تصویب نامه با مشاوره نمایندگان بخش عظیمی از کارگران صورت نگرفته است. به همین دلیل تورم دقیقاً بحساب نیامده، و رابطه تعیین حداقل

## کارگران کارخانه صابون سازی طراوت تبریز:

## نگذارید کارگاه های دایر، تعطیل شوند!

از انقلاب کمپاد حدود ۴۰٪ گران شده است، بدین علت کام گاهی کارخانه تعطیل میشود. محل کارخانه از جمله مشکلاتی است که کارگران با آن مواجه اند. هم اکنون کارخانه داخل شهر قرار دارد و وجودش در این مکان باعث ناراحتی ساکنین اطراف شده است. در ارتباط با این مسأله، کارگران در خارج از شهر، زمین

## مسائل کارگری

برای انتقال کارخانه تهیه کرده اند ولی بنیاد مسکن نه اجازه فروش محل فعلی کارخانه را می دهد و نه اجازه خرید قطعه زمین تهیه شده در خارج از شهر را. برای حل این مشکل کارگران چند بار به استاندار تبریز مراجعه کرده اند، ولی تاکنون جوابی دریافت نکرده اند. در حال حاضر، با وضع موجود، کارخانه در شرف تعطیل است.

## گرانی طاقت شکن و زندگی دشوار زحمتکشان...

ریال از بیت المال مردم را برای «سوپر سبد» پرداخت کند، که در شرایط کنونی هیچ قسمتی بحال مصرف کننده ندارد و محسوران و سرمایه داران بزرگ و واسطه دارا فریاد می کنند، بلکه آنست که این پولها برای سرمایه داران خرج به تولید داخلی، سرمایه گذاری شود، دولت خود تولید و بازارگانی مهمترین انقلاب کالاهای مورد نیاز مردم را درست گیرد، بازرگانان عمده، واسطه ها و سودجویان را از معامله بر سر مایحتاج مردمی حذف کند، فروشگاهها و میادین میوه و تره بار دولتی ایجاد کند و این کالاها را به بهای مناسب در اختیار مصرف کننده قرار دهد.

این افزایش سرسام آور هزینه زندگی به بوی به استفسار ۱۳۵۸ است. با توجه به آنکه سریع ترقی قیمتها، اکنون که در آغاز خرداد ۵۵ هستیم، این ارقام سیر صعودی و حشتناکتری داشته است. اکنون این سوال مطرح است: کارگری که حداقل دستمزد او از ۱۹۰ تومان فراتر نرود آیا میتواند با این مبلغ حتی غذای حاضری خانواده خود را تأمین کند؟ وقتی بهای نان در حدود ۴۵ اضافه شده، هندوانه کیلویی ۱۷ ریال و پیاز کیلویی ۱۷ تومان است آیا یک خانواده کارگری میتواند حتی با نان و پیاز و هندوانه هم شکم خود را سیر کند؟ و اگر این غذای کم نفعم از او دریغ شود، از کجا کارگر کسب کند؟

در توضیح علل گرانی فراوان نوشته ایم. مهم ترین علت «کمبود عرضه کالا و بیبسی گرفتن تقاضا بر عرضه است. از اینجا گرانتری آغاز میشود و وقتی پای گروهی در میان محسور، فرصت طلب و دلال در میان باشد، با استفاده از بازار آشفته کمبود کالا، قیمتها به عرش میرود، چنانکه رفته رفته است.

کارخانه های ما با تمام ظرفیت خود کار نمی کنند. و ادوات کالام محدود است و این رقم، که در سال ۱۳۵۶ به مبلغ نجومی ۱۰۱۸ میلیارد ریال رسید، در سال ۱۳۵۸ به رقم ۶۸۶ میلیارد ریال رسیده است. در چنین شرایطی که تولید داخلی تکفوی نیاز زمانی کند و واردات کمبود هم سر نظر از انگیزه ها، کاهش یافته، تجسبی ندارد اگر قیمت ها روز بروز بسوی بالا جهش بردارند، مثل قیمت پارچه در تهران - ماه اخیر ۲۵ درصد ترقی داشته است. یکی از اعضا اتحادیه پیکاران پارچه میگوید:

«۷۰۰ میلیون متر پارچه نیاز داریم که تولید داخلی ۲۴۰ میلیون متر میسوزد است. نیست که دولت هزاران میلیاردها

دولت تاکنون در این جهت نبوده و هنوز هم منظر فامید بخشی را نوبد نمیده. معاونت وزارت کشاورزی پس از اعتراض به مشکلاتی که در تولید و توزیع گوشت وجود دارد، بعنوان داخل نهائی اظهار تیرید میکند که: «باید پای دولت را در امر دخالت در گوشت داخلی بیرون بکشیم.» در حالی که درست بسکس، دخالت مؤثر دولت در امر تولید و توزیع است که میتواند سازش باشد. واگذاری آن عرضه های اقتصاد، که مستقیماً با زندگی روزمره مردم سروکار دارد به بخش خصوصی، حاصلی جز تأمین سلطه این بخش سودجو بر بازار مایحتاج عمومی و گرانتری فرازینده ندارد. زیرا بخش خصوصی فقط و فقط در پی کسب سود هر چه بیشتر است. کارگرانی با نجات کشیده که به یکی از عرضه های مهم ناراضی - ترانی بدل شده است. مسؤلان دولتی وظیفه دارند با اتخاذ سیاست روشن و مؤثری به جهنگ آن روند و این زمینه را از دست ضد انقلاب بر بیاورند. صبر انقلابی مردم هم مرزی دارد. نباید گذاشت که این کاسه لیرین شود.

# تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

دهقانان می نویسند:

دست ناپاک ضد انقلاب از جان دهقانان کوتاه!

دهداریت محترم! روزنامه کیهان و نامه مردم... با نهایت احترام، به عرض میرسانیم... (از بخش چهارمادانگه ساری - مازندران) از ۱۳ فروردین ۱۳۵۸... (دست یگسال پیش، بهداز انقلاب عظیم ایران برهبری قائم مقامی الشان امامت خمینی پشکن، شخصی روحانی نما و پسرش که دبیر حزب رستاخیز و انجمنه و ادباج محل

داسرای ساری شهمرد و با زهر سیم... خاکست که پس از تخریب این زمین، آذوقه یکساله یکصدخانوار کشاورز بدبخت این روستا بوسیله این چماق بدبختان سرت گردیده است) در عرض این یکساله هنوز سارقین و مخربین را کسی دستگیر نکرده است. شاید یکصدبار در داسرای ساری واستاندار و

دادگاه انقلاب بازنویس متحصن شدیم. گریهها نمودم و اشکها ریختم. کسی به حرفهای ما توجه نکرد. نامهها از دفتر امام و داورستان انقلاب ایران گرفته، ولی دادگاه انقلاب ساری هیچ توجهی به شکایات ما نکرده اند. لاعلاج دست زن و بچههای خود را گرفته در حال کوب نمودن میباشیم و عدهای هم کوب کردند. دیگر امیسا از دولت قطع گردیده، در کجای دنیاسراغدارید که یکسال تمام نتواند مخربین

و چماق بدبختان را دستگیر کنند. بسرای آخرین بار از مدیریت محترم و کارکنان روزنامه شما استدعا می نمایم شمارا بخدا بر طرفی که شده دردمار به جناب رئیس جمهور و اولیای امور رسایید، شاید بتوانند حق ما را از این اشرار و چماق بدبختان بگریزند. بخون شهدا سوگند پول نداریم که اجرت این زحمت را بپردازیم. قسط از خدای بزرگ سلامتی شمارا آرزو می نمایم،

نامه از مسئولین سوال میکنیم، در کجای دنیا سراغ دارید که یکسال تمام نتواند مخربین و چماق بدبختان را دستگیر کنند؟ جامعه بهداز انقلاب نمیتواند تا مدتها شاهد این بی عدالتیها و حق کشیها باشد. تمییز انقلاب نیاز به دگرگونی در روابط دارد که فساد ناشی از آنها و قسوع انقلاب را ضرور ساخت. چهره واقعی انقلاب را به این زحمتکشان نشان بدهید، بگذارید که این زحمتکشان دستاوردهای انقلاب را در زندگی خود لمس کنند. بر اهمیت آنها با انقلاب برای جامعه ما بدون شك از آن تمام نخواهد شد.

الخيار دهنقانی

اداره آبیاری مرودشت در مسیر فتودالها و ملاکین حرکت میکند

دهقانان فقیر فتوح آباد را مجرد (در ۳۰ کیلومتری مرودشت) صدوده هکتار زمین خودشان را، که مدتها در چنگ مالک غارتگر و ناپاینده اش بود، پس گرفتند و دستور به برانقلاب ایران، امام خمینی را در جهت افزایش محصولات کشاورزی، اجرا کردند. علاوه بر اسناد باقیمانده از اصلاحات کذایی رژیم مخلوع، دهقانان اجازه نامه رسمی از جهک ساژلادی نیز برای کشت دارند. این نهاد انقلابی عمل دهقانان را منطبق با روح انقلاب مردم ایران دانسته و درست قضات کرده است. اما ضد انقلاب و فتودالها در این راه سنگ اندازی میکنند و با کمک عوامل خود در اداره آبیاری، فروش آب به دهقانان را قفسن کرده اند. اداره آبیاری فقط به اسناد دادگستری و چماق شرع تریب اثر میدهد. اینگونه اعمال در مورد خوشبختان نیز مصداق دارد. مالک ده، که حدود ۴۰۰ هکتار زمین دارد، تا قبل از انقلاب اکثر آبراهه زیر کشت می بود. اما بعد از انقلاب فقط ۱۵۰ هکتارش را کشت میکند. با توجه باینکه نیاز میرسد به افزایش سطح تولید وجود دارد و با توجه باینکه حدود چهل خانوار خوشبختین از بابتدائی ترین وسائل زندگی محروم اند، آیا عدم استفاده از زمینها بسود ضد انقلاب داخلی و ابرو یالیسم جنایت پیشه آمریکاست؟ خوشبختان این خطر را درک کردند و به امر رهبر انقلاب شکوه مند مردم ایران چاه عمل پوشاندند و حدود ۲۰۰ هکتار از زمینها را با اجزه نامه رسمی دادگاه انقلاب به زیر کشت بردند. فتودالها و ملاکین بزرگ که از هر وسیله و سر خود در دستگاه دولت استفاده می کنند، به اداره آبیاری متوسل شدند. اکنون این اداره که کاملاً در خدمت فتودالهاست، برای فروش آب از زارمین سند مالکیت و اجازه نامه کسی از دادگستری و حاکم شرع طلب می کند.

روستائیان فتوح آباد می نمایند: چرا اداره آبیاری به اجزه نامه های فساد سازندگی، این نهاد برخاسته از انقلاب، که بارها اعمال آنها را در جهت انقلاب و لازم برای انقلاب تشخیص داده است، توجه نمی کند؟ اگر بغوریت آب، به زمین نرسد، محصول برنج ۳-۴ ماهه زارمین از بین خواهد رفت. بیاضست مسئولین امور بدون دفع الوقت به نجات دهقانان و انقلاب بشتابند.

هشدار! فصل برداشت محصول نزدیک است. ضد انقلاب برای تضعیف انقلاب و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی کند. خطر سوزاندن خرمنها توسط عناصر خود... (List of demands for agricultural reform)

در ده شیخ

آنچه نیست، بهداشت و رفاه زمین برای تپی دستان است



کودکان روستائی «ده شیخ» فقط میتوانند خواندن و نوشتن را بطور ناقص فرا گیرند

روستای ده شیخ در ۸۰ کیلومتری شیراز در کنار جاده بوشهر - شیراز با فاصله ۲۰ کیلومتری از جاده قرار دارد و در آن حدود ۳۵ خانوار، که تعداد جمعیتش ۲۰۰ نفر میشود، زندگی میکنند. در گذشته دهقانان این روستا در دودن یک قلمه قدیمی، در ده زندگی میکردند، ولی حدود ۳۰ سال است که در اطراف قلمه برای خود خانه های ساخته اند و در آنجا بی توته میکنند. در این روستا یک دبستان عشایری وجود دارد، که تعداد ۳۶ کودک در کلاسهای مختلف از اول ابتدائی تا چهارم آموزش ابتدائی می بینند. ادامه تحصیل در این روستا برای مراحل بالاتر امکان پذیر نیست. برای ادامه تحصیل، کودکان روستائی باید به شیراز بروند و از سوئی دیگر فقر مادی مانع ادامه تحصیل کودکان در شیراز میشود. بطور کلی تاکنون دو کودک روستائی برای ادامه تحصیل به شیراز رفته اند، ولی بعد از مدتی ناکام به روستای خود بازگشته اند.

ساختن این روستا بدست خود اهالی ساخته شده است. سقف و پشت بام با تیر چوبی و حصیر ساخته شده و هنگامی که باران میبارد، آب از سقف چکه میکند و با اینکه این روستا در کنار جاده اصلی خط نیرو قرار دارد، ولی هنوز این روستا فاقد برق است. همچنین فقدان آب لوله کشی نقصان دیگری در روستاست. از کنار روستا آب یک چشمه بزرگ میگذرد. آب چشمه گل آلود است، ولی روستائیان ناچارند از آن برای نوشیدن و مصرف بهداشتی استفاده کنند. عدم بهداشت نیز در این روستا دهقانان را زنجیر میدهد. در اینجا درمانگاه نیست و در یک کلام می توان گفت: این روستا با بهداشت و رفاه عمومی بیگانه است.

پست مالک بزرگ به مقامات مسئول مراجعه نمایند. مسئولین امر باخواست دهقانان موافقت و مقادیری از زمینهای غیر مرغوب مالک بزرگ را به آنها واگذار کرده اند. ولی کمبود درآمد، دهقانان را ناچار به کار روزمزدی کرده است. به علت فقر بودن سطح آگاهی روستائیان هنوز نتوانسته اند در یک کمیته یا شورایی متشکل شوند و مالک نیز از این موضوع نهایت استفاده را کرده و هنوز مرغوبترین زمینها را در اختیار خود دارد. در صحبتی که با روستائیان داشتیم، آنها تنها امیدشان برای گرفتن زمینها از مالک این بود که در حمایت مسئولین انقلابی و نیرو خط امام خمینی، بتوانند این کار را انجام دهند. این روستا دارای شرکت تعاونی است، که ما بخواه اولیه آنها را تأمین میکند، ولی در چند ماه اخیر بر اثر کمبود کالا، گران و احتکار کالا، در رساندن این مایحتاج به روستائیان نارسائیهای عمیق وجود دارد. روستائیان بر اثر گران بیس از حد، توانائی خرید خود را بقدر زیادی از دست داده اند و از این مسئله شدیداً ناراحت هستند. دهقانان این روستا نیز باید به حق خود یعنی زمین برسند. مقامات مسئول باید هر چه سریعتر اجرای قانون واگذاری اراضی را در این روستا آغاز و بدین ترتیب کمبود زمین را، که مهمترین مسئله دهقانان این روستاست، حل کنند. دهقانان باید به کمک نهادهای انقلابی و شخصیتهای مرفعی محلی سرریسا کمیته ها و شورایی ده را تشکیل دهند و با ارسال نمایندگان خود در شورایی ده خود را برای دریافت زمین آماده کنند.

با تصویب شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی و بنیادی گشوده شد. دهقانان با انتخاب شوراهای ده در همه جا و تشکل در اتحادیه ها، باین راه میروند



# ساواکی فعال در شبکه مخفی توطئه ضد انقلاب را فاش میکند

● از اوایل انقلاب جمع آوری ساواکیها، گاردی ها و شاهدوستان آغاز شد. ساواکی های آزاد شده هم باین شبکه پیوستند.

● مرتب از بالا دستها بما می گویند: تترسید آمریکا نزدیک ایران است.

● بخشش های بی حد افراد گناهکار در زمان دولت موقت باعث شد ساواکی ها که مرگ را پیش چشم می دیدند، خود را آزاد و قادر به فعالیت به بینند.

حزب توده ایران پیوسته از فعالیت گسترده مأموران ساواک منحل، بویژه ساواکیهای آزاد شده پرده برداشته و در مورد توطئه ها و خرابکاریهای شبکه توسط این عوامل انجام میشود، مسئولین مملکتی هشدار داده است.

نامه یک ساواکی، که در حال حاضر در شبکه مخفی ساواک فعالیت دارد و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی آنرا چاپ کرده است، با درگیری مست نظریات و حشد ارادهای حزب توده ایران را ثابت میکند. در نامه این ساواکی آمده است:

« من می خواهم در این اعتراف نامه از توطئه ای افشاشی نمایم که از اوایل انقلاب علیه انقلاب در حال تکوین است. عامل سازمان دهی و اجراء توطئه سازمان ماساد اسرائیل است، که افراد آن قبلا در زمان شاه نیز مشاوران ساواک بوده اند. سازمان سپای آمریکا نیز با تمام امکانات خود نظارت و برنامه ریزی میکند.

مرکز توطئه در اسرائیل است. عوامل و مجری ها که کمک میکنند: اردشیر زاهدی، اویسی، ازهارای، لایبی، پالیزبان و چند نفر دیگر هستند، که اسامی زیاد مشهوری ندارند و گفتن اسامیشان فقط باعث سو رفتن خودم خواهد شد. متخارج توطئه تماما توسط شاه پرداخت میشود.

سقوط سفارت آمریکا در تهران بزرگی به برنامه ریزی این توطئه زد. چهرت و بر گشت اطلاعات دیگر سرعت و کامل انجام نمی گیرد. ولی یک محل دیگری شروع به همکاری کرده و تا اندازه ای رفی کمبود شده است.

توجه داشته باشید توطئه گران از اوایل انقلاب شروع به جمع آوری افراد تقریبا بالای ساواکی و افسران گارد و نوکر شاهی کرده و زیر چتر جیره خواری خود آنها را قرار دادند، تا آنها هم تمام افراد زیر دست خود را که، فراری و یا به لطف دولت موقت بخشیده شده اند جمع - آوری نمایند.

باین ترتیب ساواکی فعال، صحت نظریات حزب توده ایران را در مورد شکل بقایای ساواک و پیوستن ساواکی های آزاد شده را به آنها ثابت می کند. ساواکی فسال آنکه شرح توطئه شد - انقلاب پر دانه میبویسد.

توطئه با شروع بلوا در ایران خواهد بود و در صورت شکست بمداخله مستقیم نظامی آمریکاممکن است منجر شود. مرحله اول توطئه:

ابتدا حزب و تریج و کشتار منحصری در چند شهر بزرگ راه می افتد. مرحله دوم:

یکی از احزاب و یا گروه ها به بهانه حق بجانبی آتش بس شلی در کردستان را خواهد شکست و کشتار فجیعانه به راه خواهد انداخت، که چه ارتش دخالت نکند و یا نه، ارتش و پاسداران را ازین می برند. با احتمال قوی اول سعی بخروج پاسداران از کردستان خواهد شد.

## اعلام ایران آزاد

مرحله سوم: این بار با مقدماتی که قبلا از طریق آقای ژان پل سارتر ریخته شده که در سطح بین المللی شایع گردیده اند که ملت کرد ایرانی نیست، چند نفر از روسای احزاب و گروهها، که با آنها وعده ریاست جمهوری کردستان نیز داده شده، اعلام کردستان آزاد و مستقل ولو در حین جنگ خواهند کرد. البته دنیای آزاد با مقدمه چینی هایی که مطبوعات غرب تهیه کرده اند، این مطلب را یک نهضت رهایی بخش تلقی کرده و واکنش طبیعی نیست بآن نشان خواهد داد. در این مرحله قرار است کمیته مرکزی کردستان با اصطلاح آزاد تشکیل و از سازمان ملل تقاضای کمک نظامی خواهد کرد.

مرحله چهارم: آمریکا، انگلیس، اسرائیل، مصر و آفریقای جنوبی قرار است این اعلام استقلال را با در رنگ به رسمیت بشناسند و بدون تامل به تقاضای نظامی این وطن فروشان ریاست طلب پاسخ مثبت داده و با زدن پل هوایی از طریق خاک عربستان و عراق سیل اسلحه و تانک، هواپیما و سایر باز آن آمریکایی را به کردستان بفرزند.

بدبختانه چون در خلق سلاح اخیر دولت موقت قبلی در کردستان، فقط مسلمانان و افسراد مومن با انقلاب اسلامی اسلحه های خود را تحویل داده اند، لذا کسی بمقابله با حمله آمریکا، که بدعت چند حزب و روسای خود فروخته آنها انجام شد، نخواهد رفت. تا حمله مستقیم، یعنی همانطور که مرتب از بالا دستها بما می گویند که تترسیم چون آمریکا همین نزدیک ایران است و ما را در اجرای توطئه یاری خواهد داد.

## سیر کوب انقلاب

مرحله پنجم: در این مرحله از توطئه سراسر است با به پای توطئه کردستان، توطئه ای هم مستقیما با انقلاب اسلامی ایران وارد آید، چه اگر ارتش ایران درگیر حوادث کردستان بشود، در این صورت فرصت دفاع از جادهای دیگر را نخواهد داشت و زمینه برای انجام این توطئه مساعد خواهد بود و اگر ارتش تماما درگیر حوادث کردستان نشود، در این صورت احتمال موفق شدن توطئه در کردستان بیشتر خواهد شد.

## ژاپنی ها با زبان بی زبانی میگویند: چرا انقلاب کردید؟!

پس از پیروزی انقلاب، ژاپنی ها طرح پرتوشی ماهشهر را رها کردند. پروانه ژاپن شدند. بعد که مسئله تحریم اقتصادی ایران مطرح شد، ژاپنی ها حاضر به ادامه کار نشدند. متعاقب تحریم ژاپنی ها، دولت مجارستان به ایران پیشنهاد کرد که حاضر است پروژه ناتام را با شرایطی سهل و عادلانه رساند. ژاپنی ها که سبه را پر زور دیدند، مجبور

## سیر کوب و حشیانه سپاهان در آمریکا ادامه دارد

همزمان با ادامه کشتار و سرکوب سپاهان محروم و مبارز شهریهای آمریکا، گرسنگی در محلات سپاه پست نشین شهر آغاز شده و پلیس و افراد گارد ملی به همراه ژنادرستان مسلح، سرتاسر محلات سپاه نشین را اشغال و بازداشت جمعی سپاهان را آغاز کرده اند.

محلات و حشیانه پلیس ژنادرست و افراد گارد ملی آمریکا به محلات سپاه نشین آنجهان فبیج و غیر انسانی است که حتی چند خیر نگار رسانه های گروهی آمریکایی نیز این محلات را «دردمرگ» نامیده اند. اکنون زندانهای شهریهای و شهرهای اطراف پراژ سپاهانی است که بوسیله مزدوران پلیس بازداشت شده اند. مبارزان سپاه داستانهای هولناکی از کشتار و دست بردارده سپاهان بوسیله مزدوران پلیس و ژنادرستان قتل میکنند.

یک عضو اتحادیه مبارزه با سرکوب سیاسی و توادای مردم آمریکا اعلام کرد که مأموران پلیس در کمال خونسردی دو کودک ۵ و ۷ ساله سپاه راهب ضرب گلوله به قتل رساندند و با باتون به جان چند زن سپاه حامله افتادند.

رهبران مبارز سپاه آمریکا در شهرهای مختلف آمریکا به کاتر پیام داده اند که «دخفه شو و از به اصطلاح حقوق بشویم زن!»

انتظار میرود که ناشی از فقر و محرومیت بسیار سپاهان و سرکوب سیاسی اقلیتها است، در تابستان سال جاری سرتاسر آمریکا و افرایا گیرد. بسیاری از سفیدپوستان محروم نیز با سپاهان همدردی کرده اند.

نظام سرمایه داری آمریکا، این به اصطلاح مدل (۱) کشورهای جهان سرمایه داری، علت تمام بدبختیهای اقلیتها و زحمتکشان سفیدپوست کشور است.

## جنایات رژیم سرسپرده السالوادور به دستور اربابان آمریکایی آن همچنان ادامه دارد

نیروهای دولتی مزدور السالوادور، در شمال این کشور بر روی گروه بزرگی از دهقانان و خانواده های آنها، که با خنجر و شمشیر و کتک و عذرت از کشور رانده شدند، آتش گشودند و نتیجه پیش از آمدن زن، کودک و افراد مسن بقتل رسیدند. سنگساری بملوک انقلابی خلق به خنجر نگاران گفت که در این جنایت، مزدوران گواتمالا و هندوراس دورتیم سرسپرده آمریکا نیز شرکت داشتند و مسئولان آمریکایی نیز نیروهای دولتی السالوادور را رهبری کردند. بکنه این سنگسار اکنون در چند ایالت السالوادور، مشاوران آمریکایی فلالانه در مبارزه علیه خلق مبارز السالوادور شرکت دارند.

## رشد صنایع در جمهوری ترکمنستان شوروی

در شرق جمهوری ترکمنستان شوروی، یک مجتمع بزرگ تولیدی در دست ساختمان است. دانشمندان و اقتصاددانان جمهوری از چند سال پیش مطالعات وسیعی را برای تخصصی کردن و تمرکز تولید در این جمهوری، که از نظر مسواک معدنی غنی است، آغاز کرده اند. با ایجاد این مجتمع بزرگ، تولیدات صنعتی در جمهوری نیز گسترش خواهد یافت. این مجتمع در ناحیه ای ساخته میشود که از سالهای پیش، با احداث کانال آبیاری قره قوم تحولات وسیعی در آنجا صورت گرفته است. پروژه های وسیعی در شرق جمهوری ساخته شده و با در دست ساختمان است. از جمله یک پالایشگاه بزرگ نفت در این منطقه ساخته شده و کارهای ساختمانی یک کارخانه بزرگ کوشیمیایی متفرق به اتمام میرسد. قرار است در مجتمع بزرگ شرق جمهوری ترکمنستان مجموعا چهل کارخانه مختلف ساخته شود. این دومین مجتمع بزرگ تولیدی در آسیای میانه شوروی است.

## افغانستان برای حل و فصل صلح آمیز اختلافات با ایران و پاکستان پامی فشارد

شاه محمد دوست، وزیر خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان، تاکید کرده که اگر ایران و پاکستان، مایل باشند، افغانستان آماده است برای حل و فصل صلح آمیز اختلافات با این دو کشور و وارد مذاکره شود.

شاه محمد دوست گفت که ابتکار اخیر دولت افغانستان در مورد مذاکرات صلح آمیز نشان دهنده تمایل این کشور برای حل و فصل اختلافات و کاهش تنش منطقه است و این ابتکار ملاحظه بسیاری از کشورهای منطقه را جلب کرده است. وزیر خارجه افغانستان تاکید کرد که دلیل اصلی درخواست کمک از شوروی، یعنی ارسال اسلحه و یاننده های مسلح از طرف پاکستان، آمریکا، چین و کشورهای ارتجاعی عرب به افغانستان بقوت خود باقی است و به محض پایان یافتن این خرابکاریها، علل درخواست این کمک نیز مرتفع خواهد شد.

## امپریالیسم آمریکا به توطئه خانثانه خود برای چپاول هر چه بیشتر ثروتهای نفتی کشورهای تولید کننده نفت ادامه میدهد

لایحه ای تدبیر سنای آمریکا شده است که بموجب آن تا سال ۱۹۸۵ ذخایر نفتی آمریکا در انبارهای کشور به یک میلیارد بشکه افزایش خواهد یافت. در حال حاضر این ذخایر صد میلیون بشکه است. هدف امپریالیسم آمریکان است که از

سول بی برده است. همپای کینه و مستحرمای که زن آلهای آمریکایی در کره جنوبی و مقامهای این کشور دربار با اصطلاح تهدید از سوی شمال، و دقتل و انتقالات مشکوک در مرز برامانداخته بودند، تا توجه مردم مبارز را منحرف کنند، کسی را فریب نداده است.

## تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

لا یسه ای تدبیر سنای آمریکا شده است که بموجب آن تا سال ۱۹۸۵ ذخایر نفتی آمریکا در انبارهای کشور به یک میلیارد بشکه افزایش خواهد یافت. در حال حاضر این ذخایر صد میلیون بشکه است. هدف امپریالیسم آمریکان است که از

## ساواکی فعال در شبکه مخفی توطئه ضد انقلاب را فاش میکند

ساواکی فعال در شبکه مخفی توطئه ضد انقلاب را فاش میکند. کودتای آمریکایی زیر نام کمونیست و در این کودتا هواپیماهای آمریکایی شرکت مستقیم خواهند داشت.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

دنا و گان آمریکا با طبع کردن سیستم رادار ایران راه ورود به ایران را برای هواپیماها باز خواهد گذاشت. هواپیماها پس از شرکت در کودتای کمونیستی ساخت آمریکا، با بمباران و حمله آبی و کم مدت خواهند کوشید سیستم حاکم رادار هم بشکنند.

# راهپیمایی ضد امپریالیستی در زنجان

## دانشجوی مسلمان پیرو خط امام: پایههای کاخ سفید در اثر وحدت ما است که میلرزد

### راهپیمایان یکصد نفریاد میزدند:

### اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم تفرقه، جدایی، سلاح امپریالیسم

پدوت جهاسازندگی شهرستان زنجان، روز ۲۹ اردیبهشت راهپیمایی ضد امپریالیستی با شکوهی بسایر اندامشجویان مسلمان پیرو خط امام در این شهر برگزار شد. در این راهپیمایی زحمتکشان واقشار مختلف مردم در صفوف متشکل شرکت داشتند و یکصد نفریاد میزدند: **مرگ بر کافر، مرگ بر شاه** خونشهبانان ما حاصل این پیام است **نبرد با آمریکا ادامه قیام است.** راهپیمایان پس از عبور از چند خیابان،

برای گفتن خبر مقدمه پیدانشجویان مسلمان پیرو خط امام اجتماع کردند. ابتدا پیام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام قرائت شد. در این پیام آمده است:

دروز پیروزی ما، وحدت کلمه بوده است، اگر امروز پایههای کاخ سفید میلرزد و امپریالیسم جهاننشین آمریکادست به کارهای ضد انسانی و دیوانهوار میزند، که حاکی از عقب نشینی وضعی و از وحدت کلمه مردم است. یکوشیم تا پیوندمان را که تنها عامل پیروزی بر امپریالیسم آمریکا است قوت بخشیم...

جمیت در اینجا فریاد زد: **اتحاد، اتحاد، علیه امپریالیسم، تفرقه، جدایی سلاح امپریالیسم**

در این مراسم آنگاه استاندار زنجان ضمن سخنانی به چگونگی غارت امپریالیسم آمریکا واقفانافع آمریکا در ایران پرداخت و گفت:

«باید به وضعی داخلی خودمان که از آن جمله وابستگی در تولید است چهره شویم. تنها با شعار نیست که از وابستگی بیرون می آیم، بلکه در افزایش تولید و عدم احتیاج به امپریالیسم آمریکا است. برای تولید بیشتر باید زمینها را بدهقانان واقعی و مستضعفان بدهیم، به کسانی که به سر نوشت انقلاب معتقدند. قانونی در این مورد تصویب رسید، اما هنوز کسانی در راه تحقق اجرای این قانون کارشکنی میکنند، اگر این کارشکنیها ادامه پیدا کنند، ما آنها را با نام پشما معرفی خواهیم کرد و هر چه زودتر لیست شاواکیها را منتشر میکنیم.»

نماینده انجمن اسلامی دانشکده کشاورزی زنجان سخنران بعدی - اظهار داشت:

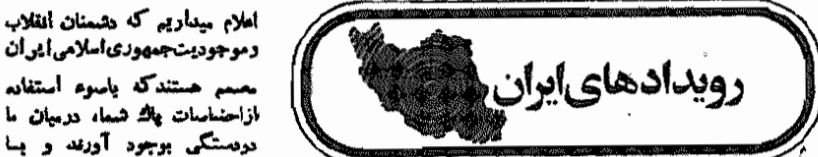
«د امریکای جهاننشین و عمال وابسته اش و ثنودالهای جنایت کار باید بدانند دیگر جانی برای آنها وجود ندارد. ذوالفقاریها باید بدانند، روستاییان محروم ورنجدیده ما دیگر فریب نیرنگ آنها را نخواهند خورد. ما باید در جامعه بریکنگی و وحدت خویش وجود خارجی بدهیم و در چنین جامعه ای دیگر برای سرمایه داران، ثنودالها و رباخواران جانی نیست. تنها برابری است که برادری را پدید می آید.»

در پایان این راهپیمایی قلمنامه ای صادر شد. در قسمتی از این قلمنامه آمده است: **سرمایه داران وابسته و ثنودالها در این برهه از زمان با اعمال نفوذ موزیانه خود مانع فعالیتهای تولیدی میشوند. از مقام استاندار محترم می خواهیم با اجرای طرح انقلابی تقسیمات ارضی، دست غارتگر این عناصر را هر چه زودتر از سرکشاورزان کوتاه نمایند که این خواسته تمام ملت است.»** مراسم با شعار **مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی ما** پایان یافت.

# آبادان متشنج است

ماهدار می دهیم:

ماهدار دیگر در مورد وضع شهر آبادان به مسئولین حصار می دهیم و اعلام می کنیم که عوامل ضد انقلاب قصد دارند با سوء استفاده از نارسایی های موجوده این شهر و بیهوشی بکشاند. بر اساس اطلاعات رسیده، در چند روز اخیر عوامل ضد انقلاب و گروهکهای مائوئیستی، به انحاء گوناگون در اجتماعات کارگری شرکت میکنند و میکوشند آنها را به امتصاب بکشاند.



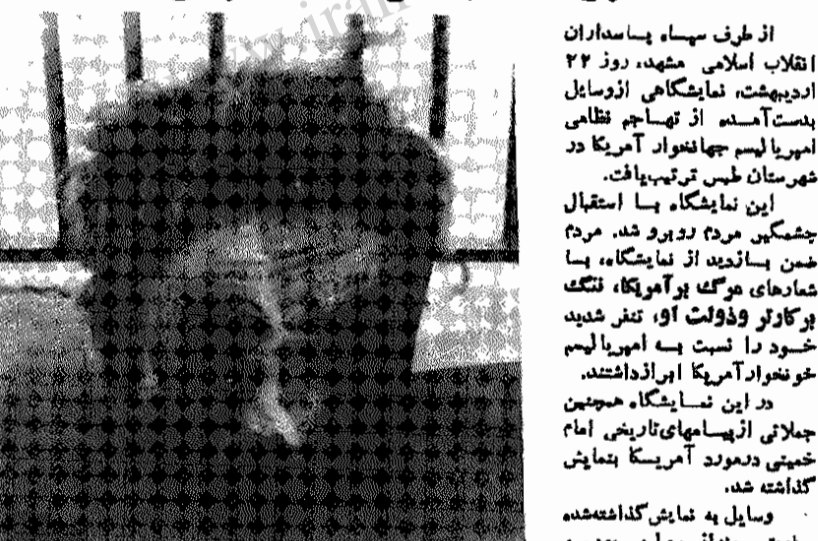
## رویدادهای ایران

اعلامیه هواداران حزب توده ایران

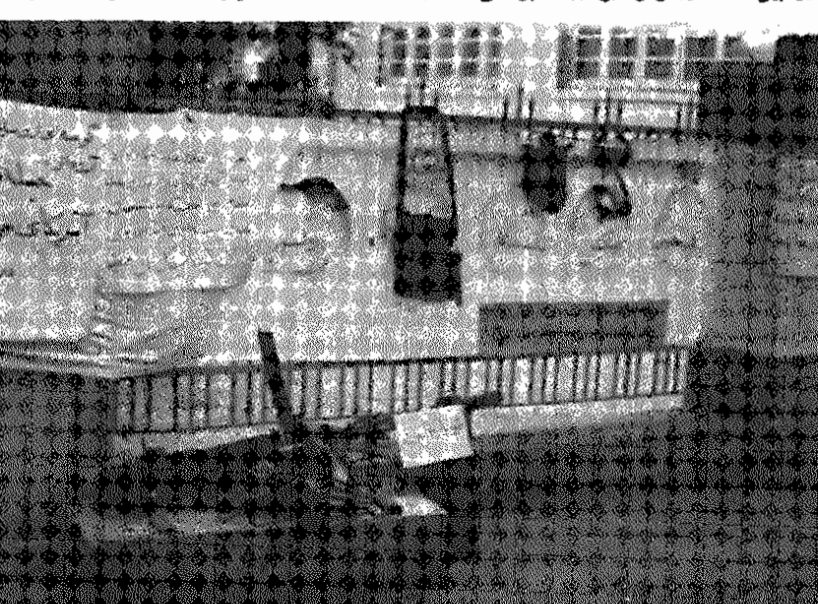
## درباره حوادث اخیر نیریز

پس از تشنج و درگیریهای اخیر در نیریز فارس، که پدیده اعلامی نتایج مجلس شورای ملی روی داد، هواداران حزب توده ایران در این شهر، ضمن صدور اعلامیه ای، تاکید کردند که هرگونه درگیری و تشنج به نفع امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب داخلی است. در این اعلامیه همچنین آمده است: **«پس از اعلام نتیجه مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران در نیریز و اصطهبانات، شهر نیریز شاهد حوادثی ناگوار بوده که در صورت ادامه یافتن آنها بدون تردید می تواند بهانه دستاویزی باشد کاشتمان انقلاب ایران از آن»**

## نمایشگاه وسائل بدست آمده از تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا در طبرس



از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مشهد، روز ۲۲ اردیبهشت، نمایشگاهی از وسائل بدست آمده از تهاجم نظامی امپریالیسم جهاننشین آمریکا در شهرستان طبرس ترتیب یافت.



در این نمایشگاه همچنین جلالتی از اسامی تاریخی امام خمینی در مورد آمریکا بتماش گذاشته شد.

وسایل به نمایش گذاشته شده عبارت بودند از: رولور، دوربین مادون قرمز، تیربار کالبر ۵۰، مساک ضد گاز، عینک، لامپ مخصوص، تلاب، باطری مخصوص دوربین مسادون قرمز، بی سم، قطب نما، گالوانومتر، سورتک، چراغ قوه، ساپون طی، یس اند بزشکی، خشاب ۱۶-۴۱، جلیقه موتور سیکلت، اتومبیل جیب.

# شوخی نیست...!

## نشر اکاذیب

معین فر، وزیر نفت ایران، در پایان جلسه مشترک شورای انقلاب و هیات دولت، خبر خبرگزاریهای امپریالیستی را تکذیب کرد و گفت: «در ماه گذشته میزان صدور نفت ایران یک میلیون بشکه در روز بوده است نه چهارصد هزار بشکه.» (جمهوری اسلامی - ۳۰ اردیبهشت) وزارت خارجه ایران در مطبوعات اعلامیه ای گفته است: «خبر خبرگزاریهای دست نشانده آمریکا، اکاذیب پخش میکنند.» (کیهان - ۳۰ اردیبهشت)

## تبرئه آمریکا

گروهک «پیکار با طبقه کارگر» طی اعلامیه ای گفته است: «دخالت نظامی سوسیال امپریالیسم شوروی در افغانستان بهترین بهانه را برای تکمیل بین المللی برای کسب مناطق نفوذ در سرکوب خلقها فراهم آورده است.» - حق با تریچه پوک است. مگر بعد از دخالت نظامی شوروی، نبود که در ایران کودتای ۲۸ مرداد شد، در شبلی، آلبنده سقوط کرد، در ویتهام جنگ شد و... و کزنه آمریکا که با سرکوب خلقها مخالف است!

## با اسلام آمریکایی در کنفرانس کشورهای اسلامی در پاکستان آشنا شوید

... عناصر اصلی رژیم دهندگان این کنفرانس خود از مرتجع ترین و وابسته ترین رژیمهای غربی هستند، که نسبتا کوچکترین توجیهی به اصول اسلام ندارند، بلکه خود از مولف ترین عوامل اسلام زدایی در کشورهای اسلامی هستند... دولت کنونی پاکستان که میزبان این کنفرانس است، چیزی در حد یک عروسک در دست امپریالیستهای غربی است... کشورهای چون عربستان، عراق و مراکش آوازه وابستگی آنها به امپریالیسم آمریکا دیگر در هر کوی و برزی پیچیده است... (کیهان - ۳۰ اردیبهشت)

## احتمال و واقعیت

احتمالا آمریکا فرآورده های تکنولوژیکی بیشتری در اختیار چین قرار خواهد داد. (کیهان - ۲۹ اردیبهشت)

## نگاهی دوباره

وزیر دفاع فرانسه گفته است: «فرانسه و عربستان سعودی قراردادهای تازه ای امضا کرده اند، که به موجب آن برخی سلاح های فرانسوی و نیز کمپانی تکنیکی در اختیار عربستان قرار خواهد گرفت.» و «ما بزودی قراردادهای مشابهی هم با بحرین و قطر امضاء خواهیم کرد.» (کیهان - ۲۹ اردیبهشت)

## این چماق داران

و اوستان انقلاب اسلامی بوشهر، بدنبال حمله گروهی پشتت مجروح و در دادگاه انقلاب اسلامی شیراز متحصن شد. (انقلاب اسلامی - ۳۰ اردیبهشت)

## باز هم سازش

صدای جمهوری اسلامی ایران که تفسیرهای «علمی» آن در مورد اوضاع سیاسی ایران و جهان چشم جهانیان را خیره کرده است، در یکی از شاهکارهای خود روز سه شنبه ۳۰ اردیبهشت گفت: «... آژنمان که کنگره و کاخ سفید آمریکا هجوم حشیانه سوسیالیستهای آمریکا را به کشور اسلامی افغانستان با یک رای حکومتی سطحی و ظاهری زیر سیلی رد می کنند، بخاطر حق سکوئی است که از کاشنشینان کرملین در رابطه با دخالت های مستقیم و غیر مستقیم، حتی حمله نظامی خود به خاک ایران میگیرند...» - حالا فیهیدید که تا حالا در خواب غفلت بودید و نمی دانستید که اسم جدید مروتی محاصره اقتصادی توسط شوروی، «هدارهای مکرر شوروی به آمریکا»، «افشای توطئه ها و تجاوزات آمریکا به ایران توسط شوروی» حق سکوت به آمریکا است!

## اسلام آمریکایی

«سادات استفاده از مساجد را ممنوع کرده و سادات استفاده از مساجد را برای هدفهای سیاسی ممنوع کرده» (جمهوری اسلامی - ۳۰ اردیبهشت)

## حس خطر

بدنبال آزاد شدن پرویز آقایی، معروف به ولراه، عضو ساواک منحل، که ۱۵ سال زندان محکوم شده بود و ۴ روز است از زندان آزاد شده، مردم دینان احمدآباد و شرجه بعنوان اعتراض به آزاد شدن وی با داشتن چراغ - سنگین دست به راه پیمایی زدند... (جمهوری اسلامی - ۳۰ اردیبهشت)

## دفاع با معنا

«جبهه فرین» در جزایر قیود اعلام کرد که «التوزی به قلع مردم استقلال طلب آن سرزمین ادامه میدهد.» (کیهان - ۳۰ اردیبهشت)

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان آذر ۱۶ شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸  
شماره تلکس: 214081 TPI IR  
چاپ: کلویان

**MARDOM**  
No. 242  
24 May 1980  
Price: West - Germany 0.80 DM  
France 2 fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.  
Sweden 1.50 Skr.

علاوه بر کتابفروشی ها و روزنامه فروشی ها مجله دنیا را میتوانید از کیوسک های فروش نشریات بخواهید

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود